





















## اطلاعات

## روزه و روزی

<b>سید احمد سام</b>	<b>بخش دوم</b>
<span></span>	
اگر بپذیریم مجموع رزق مادی و معنویِ ما در این دنیا ثابت و معیوم است، آنگاه هر چقدر از رزق و روزیِ مادی خود بکاهیم، معنوی ما بیشتر خواهد شد. یعنی بسرای مثال یک خوردنی و یک آشامیدنی داریم که مادی‌اند و یکسک احوالِ خوش‌درونی که معنوی است. حال اگر از خوردن و آشامیدن خود بکاهیم، آن احوالِ خوش‌درونی و باطنی و در واقع رزق دل ما بیشتر خواهد شد. شادی و لذت جسم تبدیل به سرخوشی و انبساط و نشاط روح خواهد شد	



در اینجا نیست که می‌توان نتیجه گرفت روزه‌گرفتن، رزق معنوی می‌آورد، با عنایت به همین موضوع است که مولانا آن ابیات معروف را سروده است:

لب فرو بند از طعام و از شراب
سوی خوان آسمانی کن شتاب
باش در روزه شکیبا و مُصر
دم به دم قوت خدا را منتظر
کان خدای خوب‌کار برده‌بار
که سبک آید وظیفه‌ه که دیر
دهدیا هر آنکه در «انتظار»
هم به معنای صبر است، صبر و شکیبایی. به قول شاعر: چه خوش باشد که بعد از انتظاری به آیدای رسد امیدواری
روزه‌دار، صبر دارد و صبر، یعنی استقامت. روزه‌دار در همه چیز تعین صوری و شکیبایی می‌کند و به همین جهت به او وعده داده‌اند که هدیه‌های آسمانی نصیبش خواهد شد. نصیب کسی که دل و درون خود را آماده و مهیا کرده است؛ به قول خواجه عبدالله‌انصاری: «تجلی حق که به گاه آید، لکن بر دل آگاه آید». (مرصادالعباد)
**رزق معنوی چیست؟**
«رزق معنوی» همان‌طور که از نامش پیداست، سهم دل و باطن و درون ما از نعمت‌های این جهان است. چگونه می‌توان به رزق‌های معنوی دست یافت؟ برای دست‌یافتن و رسیدن، به رزق و روزی معنوی، اولیای خدا گفته‌اند حداقل دو کار باید انجام داد: ابتدا طلب و نیاز فرد است؛ یعنی فرد باید طالب چنین روزهایی باشد و دوم این‌که از رزق‌های مادی خود بکاهد. مولانا در دفتر پنجم مثنوی می‌گوید:
انتظار نان ندادار مرد سیر
که سبک آید وظیفه‌ه که دیر
«وظیفه»، به معنای مستمری و حقوق (و همان روزی) است. «سبک» هم در اینجا به معنای زود و سریع است. به این ترتیب، انسانی که سیر است، منتظر نان و طعام نیست؛ برایش مهم نیست که نان و غذا زود برسد یا دیر برسد؛ اما:
«بینوا» هر دم همی گوید که کو؟

در مجامعت منتظر، در جستجو!
فرد بینوایی که دچار مجامعت (گرسنگی) است، چشم‌انتظار است و مرتب به دنبال نان و غذا می‌گردد و سراغ طعام را می‌گیرد که نجاست تا بخورم و سیر بشوم؛ بنابراین اولین قدم برای رسیدن به رزق معنوی، طلب و خواستن است.

هر گرسنه عاقبت قوتی یافت
درواهی آسمان‌رقصان‌جویید(۱۳۱۵)
لب فروبند از طعام و از شراب
سوی خوان آسمانی کن شتاب
انسان سیر به دنبال غذا نیست، اگر گرسنه باشیم، از آسمان برایمان مانده‌های معنوی می‌فرستند؛ بنابراین می‌توان به آسمان امید بست:
دم به دم بر آسمان می‌دار
درواهی آسمان‌رقصان‌جویید(۱۳۱۵)

آنگاه به تو مژه خواهد داد که:
دم به دم از آسمان می‌آیدت
آب و آتش، رزق می‌افزایدت
اگر اهل طلب باشی و در رزق روزوی مادی بکاهیم، لحظه به لحظه از آسمان نعمت‌هایی برایمان خواهند فرستاد که آب و باران عنایت حق به علاوهٔ آتش و گرمای جذبهٔ ربّانی از آسمان فرو می‌یارد. می‌دانیم که قرآن کریم وعده داده است: **فَإِی السَّماءِ رِزْقَکُمْ و ما تعدون** (الدّیّار، ص ۵۱) یعنی «از روزی شما و آنچه به آن وعده داده شده‌اید، در آسمان است.» بیشتر مفسران قرآن کریم گفته‌اند منظور این است که از آسمان باران پربرکت بر زمین می‌یارد و زمین را حاصلخیز می‌کند. و گندم و سایر محصولات) از آن به معنای می‌آید و انسان آن را برمی‌دارد، آرد می‌کند و به کمک آتش نان می‌پزد و به این ترتیب به رزق و روزی خود می‌رسد و حال آنکه مولانا تفسیر دیگری دارد و می‌گوید این رزق آسمانی که قرآن فرموده، «روز رزق» معنوی، ماست که در آسمان‌هاست و انتهایی که از طعام و از شراب لب فرو ببستند و از تعلقات این دنیا رها شدند، به این قبیل رزق‌های معنوی دست خواهند یافت.

**گرسنگی و خوشبخت‌داری آگاهانه موجب شکوفایی انسان می‌شود**
این بیت معروف مولانا را باز به خاطر یابوریم که می‌گوید:
این دهان بستی، دهانی باز شدد
تسا خوردندی لقمه‌های راز شد...
ما قبل از این بیت، ایات دیگری هست که مرور کردنی آنها را به پاسخ سؤال فوق می‌رساند. در دفتر سوم مثنوی می‌آید و می‌گوید غذای زیادخوردن و اساسا غذاخوردن ما انسان‌ها بعضی وقتها شبیه به این است که یک گوسفندی از دست قصاب علیه می‌خورد. البته که در مثل مناقشه نبود و مولانا هم قصد تشبیه انسان اشرف مخلوقات را به گوسفند نداشته است. او مثال می‌زند تا بتواند نتایج گرانبها بگیرد. می‌گوید قصاب از آب و علف دادن به گوسفند، هدف خاصی را دنبال می‌کند. در واقع غرض دارد و غرضش این است که گوسفند هرچه بیشتر آب و علف بخورد تا چاق و فربه شود و آمادهٔ ذبح گردد و قصاب بتواند گوشت بیشتری بفروشد؛ اما گوسفند ناآگاه و بی‌بے آخوَر نگاه می‌کند، مغلطای درون آن را مانند غلای بی چرب و شیرین و خوشمزه می‌بند و با اشتیاق از آنها می‌خورد. نمی‌داند که همین چرب و شیرین باعث تلف شدنش خواهد شد:
او در آخور چرب می‌بیند علف
وین ز قصاب آخرش بیند تلف
خواهیم گرفت:
آن‌علف‌تایخ‌است‌کاین‌قصاب‌داد...

حال اگر ما به چشم دیگری به این مثال نگاه کنیم، نتیجه‌ای دیگر خواهیم گرفت:
بهر لحرم مسا ترازویی نهاد
بنابراین هرچه از آن علف مادی بخوریم، فریهر تر خواهیم شدد و فقط به درد دنج شستن خواهیم خورد، غافل از اینکه غذا و طعام دیگری هم در این جهان هست:
روز حکمت خور علف کان را بخدا
بی‌غرض داهست از محض عطا

غذایی که قصاب‌های این دنیا می‌دهند برای چاق شدنن و سسر پریدن است؛ اما غذایی که حضرت حق می‌دهد، طعام معنوی است، حکمت است و خداوند این رزق معنوی را «بدون غرض» به انسان‌ها عطا کرده و ارزانی داشته است. حال به همان بیت ابتدای این بخش از میث ما می‌رسیم که می‌فرماید:

این دهان بستی، دهانی باز شد
تا خوردندی لقمه‌های راز شد
حال فرض کنیم این دهان را بستیم، دهانی دیگر باز خواهد شد؛ دهانی که بر آن می‌توانیم لقمه‌های «رازت» را بخوریم. «راز» به‌راستی چیست؟ این جهان پر از «راز» است و وقتی «رازهای مخفی» و شناخته بشود که دیگر راز نیست، ما همین قدر می‌دانیم که به قول مولانا:
راز جسز با رازدان انباز نیست

راز اندر گوش مکر، راز نیست!
کسی که حقایق این جهان را نمی‌پذیرد و اهل انکار است، از رازهای این جهان هم چیزی در نمی‌یابد. رازهای این جهان را تنها می‌توان ببا «رازدانان» گفت و به آنها عرضه کرد. همین قدر می‌توان گفت که «راز، خوراک دل است»؛ یعنی آنچه ما در دلمان داریم که بعضی وقتها به آن «سر» می‌گوییم، اگر همگان از آن مطلع شوند که دیگر «سر» نیست، «راز» نیست، فقط تا زمانی که در دل خود ما هست، راز است؛ بنابراین از خوراک دل است و آن دهانی که باز می‌شود و می‌خواهد «لقمه‌های راز» را بخورد، مولانا درآش می‌گوید:
مانده عقل است، نی نان و نور عقل است ای پسر، رجان را غذا
(شوی یعنی گوشت) می‌گوید آن نعمت آسمانی که به شما عطا می‌شود، عقل است، نه نان و گوشت و غذاهایی از این دست. غذای روح و جان تو، نور عقل است.

**عصیان علیه وضع موجود**

۱- دوران خلافت امام علی ابن ابیطالب<sup>(ع)</sup> یکی از پیچیده‌ترین دوران‌های صدر اسلام است. حضرتش در سخت‌ترین زمان به خلافت پرداخته‌شد و مجبور به تحمل مصائب و مشکلات فراوانی گردید که اصولاً ریشه در دوران‌های گذشته داشت. عموماً چنین می‌اندیشند که مشکلات فرا روی امام، به دلیل سیاست‌های سختگیرانه و عدالت‌محورانه ایشان بود اما این بخش کوچک‌ی از داستان است. مشکلات اساسی از نیمه دوران خلافت خلیفه دوم آغاز شده و رشدی فزاینده می‌یابد و در دوران خلیفه سوم و به‌ویژه در نیمه دوم آن، تشدید و بلکه نهاده می‌شود و با کشته شدن او به اوج خود می‌رسد. در چنین شرایطی است که مردم به سوی امام هجوم می‌برند تا خلافت را بپذیرد. واقعیت این است که هر کس دیگری هم به جای امام بود، با چنان مشکلاتی مواجه می‌شد.

حضرت عملا وارث چنین میراث سنگینی است. در چنین اوضاع و احوال آشفته‌ای است که به ناگهان «خوارج» سر بر می‌آورند و بر امام خروج می‌کنند. این خروج بیش از آنکه بر امام باشد، بر اصل حکومت و حاکمیت و نظم و ادب و رسوم و فرهنگ و تمدن شهری و شهرنشینی است. اگرچه در درون این مجموعه نامشجم، فتنه‌انگیزانی هستند که هدفشان انقاع گرفتن از قریش و به عنوانی از قبیله «مُضَر» است. عوام قبايل ساکن در منطقه حجاز و به‌ویژه مکه و از جمله قبیله قریش به این قبیله بزرگ تعلق داشتند و از زمان‌های دور رقابتی فراموش نشدنی و تعدیل‌ناشده بین سه قبیله بزرگ «مضر»، «ریبه» و «تمیم» وجود داشت.

مخالفت آنان با امام بیش از آنکه دلیل شخصی داشته باشد، به دلیل وابستگی ایشان به قریش است. و نیز هستند کسان دیگری که طولانی شدن دو جنگ جمل و صفین و افزایش مقتولان، آنان را در بن‌بستی روحی و فکری و اعتقادی قرار داده بود. تلقی آنان از جهاد، جنگهایی بود که با غیر مسلمانان می‌کردند و غنایم ابوهی به همراه داشت؛ اما در اینجا غنیمت و اسیری وجود نداشت. این اولین تجربه‌ای بود که مسلمانان به روی یکدیگر یک دشمنی می‌کردند و همیشه اولین تجربه، مشکلات خاص خود را دارد.

مجموعه این عوامل بود که به جریان خوارج شکل داد. مسئله نه دینی بود و نه تقدس‌مآبی دینی. گرچه شکش دینی بود، اما بیشتر رقابت با دیگران و بهانه‌جویی و عصبان علیه وضعیتی بود که در آن می‌زیستند. آنان برای نخستین بار زندگی شهری و در کنار یکدیگر بودن را تجربه می‌کردند. اگرچه قابل انکار نیست که گروهی از آنان با رویکردی بدویانه اسلام را درمی‌یافتند. در اینجا اسلام وسیله‌ای بود برای ابراز مخالفت و طغیان و نه آنکه اسلام و معتقدات دینی عامل اعتراض باشد. اسلامی را می‌خواستند که خود مفسر آن باشند و هیچ سخن و تفسیر دیگری را بر نمی‌تافتند، هرچند که متکی به قرآن و سنت نبوی باشد.

**ساختار اجتماعی و فرهنگی جزیره‌الرب**
۲- عموماً تحولات تاریخ اسلام را تنها ناشی از عوامل اعتقادی می‌دانند و موضع‌گیری‌های مختلف را در چارچوب اختلاف‌های عقیدتی درمی‌یابند و می‌پندارند تفاوت‌های فقهی و کلامی، عامل اصلی اختلافات بوده است. در این که چنین اعتقادی وجود داشته، سخنی نیست. سخن در این است که عوامل فراوان دیگری هم در این میان دخالت داشته که چه بسا به‌مراتب مهمتر و تعیین‌کننده‌تر از عامل اعتقادی بوده است و بعضا عامل اعتقادی تنها پوششی برای متعارض‌هایی بوده که طرفین را به دشمنی وا می‌داشته است.

برای یافتن این عوامل، می‌باید جزیره‌العرب آن ایام به‌خوبی و با دقت شناخته شود و اینکه ساختارهای درونی آن -عسـم از اجتماعی و تاریخی- چه بوده و کدامین فرهنگ و اخلاق و آداب و رسومی بر مرذشت حاکم بوده است، و اینکه ساختارهای روانی و شخصیتی آنان چگونه شکل گرفته و منطبق فکری و رفتاری‌شان چه بوده است. تحولات هر جامعه در درون واقعیت‌های آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل، مولانا مجموعهٔ ذکرگونی‌های مختلف را با توجه به بستـر اجتماعی و تاریخی و نیز خصوصیات روحی و شخصیتی آنان، بررسی کنیم.

◆◆◆
**عصیان خوارج در بسیاری از موارد ناشی از تعارض روحی و اخلاقی با لوازم و ضرورت‌های زندگی شهری بود؛ لذا بهانه‌جویی می‌کردند و تا آنجا که به مسئله خوارج در ایام علی<sup>(ع)</sup> بر می‌گرد، به این بهانه‌جویی رنگ دینی می‌دادند و این جریانِی طبیعی بود. کیفیت بروز عصیان و ناآرامی، رنگ واقعیت‌های حاکم بر جامعه را می‌گیرد**

جزیره‌العرب سرزمینی است وسیع که اکنون مشتمل است بر عربستان، یمن و شیخ‌نشین‌های کنونی خلیج فارس (کویت، قطر، امارات و عمان)، تاریخ و فرهنگ و ساختارهای درونی این مجموعه عمیقاً متأثر است از موقعیت جغرافیایی و طبیعی آن. صرف نظر از برخی حواشی آن است که از آب کافی برخوردار بود؛ بخشهای دیگر سرزمینی بود بیابانی و خشک و بلکه بسیار خشک و خشن. این طبیعت، مهمترین عامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی و اخلاق و منش ساکنانش بود؛ همچنان‌که مانع از آن بود که مردم مجرم درونی خارجی قرار گیرد. اولاً این مصحاری وسیع و خشک، طمع جهان‌گشایی را بر نمی‌انگیخت؛ و ثانیاً همین عامل طبیعی، مهمترین عامل شکت هر نیروی مهاجمی می‌گردید. نبود مهاجم خارجی، موجب شده بود

#### معنوی گنگاپ

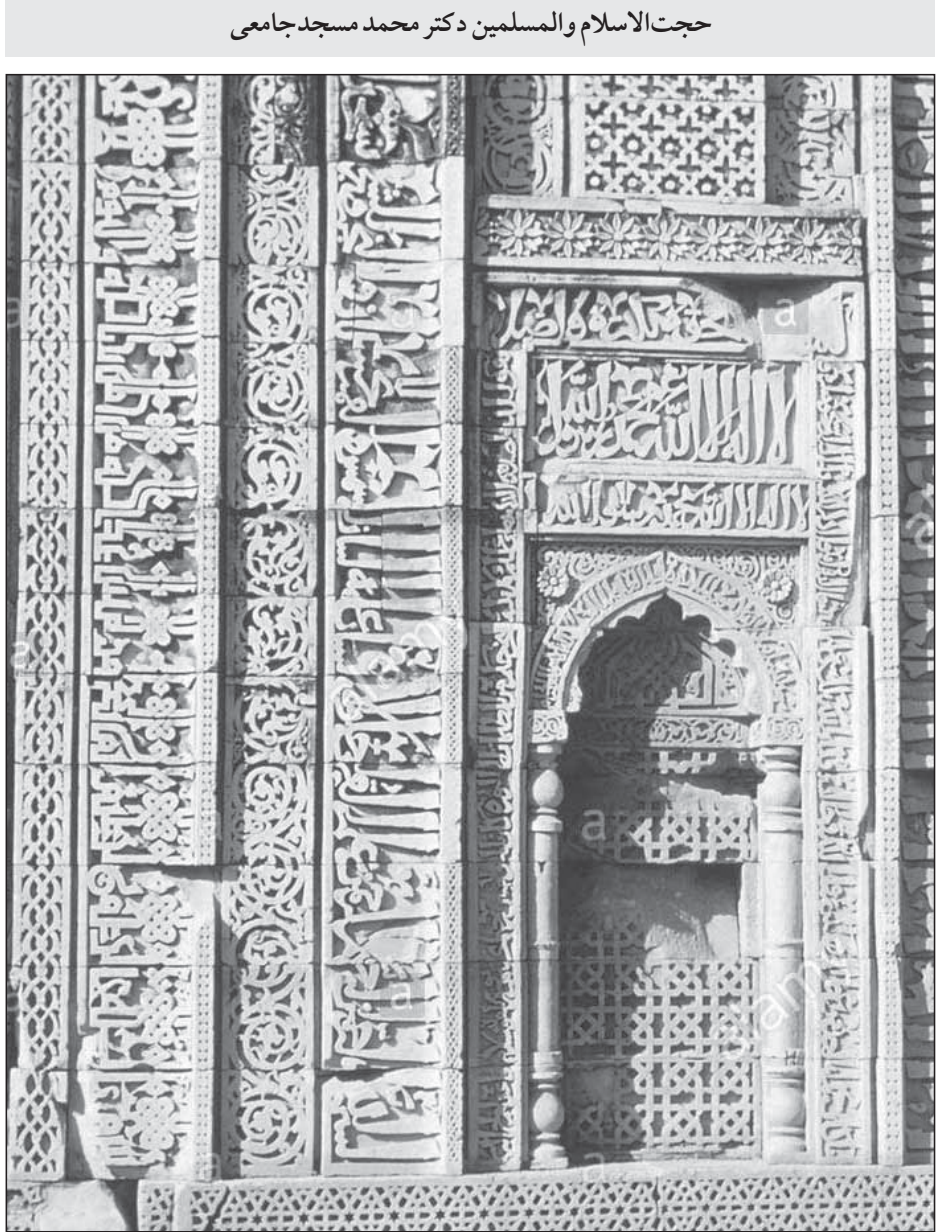
### حضور

شماره ۱۰۳ فصلنامه فرهنگی،هنری،سیاسی، اجتماعی «حضور» منتشر شد. این شماره در چهار بخش: «مقالات»، «گفتگو»، «ادب و هنر» و «نامه، گزارش، اخبار و...» تدوین یافته و مشتمل بر مطالب زیر است:
بنیان‌های اخلاقی اندیشه سیاسی امام خمینی/ دکتر بهروز رشیدی، عیسی تاج‌الدینی، نگاهی گذرا به شخصیت اجتماعی امام خمینی/ محمدشاهی برهانی، خروج شاه از کشور/ مرضیه بیگی‌زاده، اهداف تربیت اخلاقی از منظر امام خمینی و ملامه‌ی نراقی/ دکتر علی محمد منتظری، مهدی یابوری، تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی/ اکبر سعیدی‌زاد، ما مردم صدقانه برخورد کنیم / مصاحبه با دکتر جمالی نویندانه نماینده مجلس)، نماینده خوب باید جان و مال خود را فدای مردم کند (مصاحبه با هدایت‌الله خامنه‌ی نماینده مجلس)، صدای ملت (مصاحبه با دکتر سیدحسین نقوی حسینی نماینده مجلس)، قدرت و مصلحت (مصاحبه با جابر کوچکی‌نژاد نماینده مجلس)، مروج دیارست (تأملی در دوران وحدت وجود و آرای امام خمینی با تمرکز بر دیوان اشعار) / ارحان خدایی‌خواه، حسین خورشید/ نصرالله محمدی، حضور روشن / سیدحسین ثابت محمودی سهیل، همجوار گل (برای یادگار امام) / رضا خورشیدی‌زاد، آخرین هفته استند (برای یادگار امام) / محیدرضا حسینی، گلزار نامه، ترجمه چند نامه خارجی، اسلام، ملت ایران و کشور ایران/ سخنان رئیس جمهوری در حرم امام خمینی، امید به آینده / سخنان جناب‌الاسلام والمصلحتین سیدحسین خمینی، نظر امام خمینی درباره حوزه علمیه، عدالت علی علیه‌السلام / یادداشتی از محمدتقی فاضل میرد، نقشه راه برای حفظ نظام و انقلاب / ناصر نقویان، شخصیت و اندیشه اخلاقی آیت‌الله هاشمی

که اساساتی قراقبیه‌ای در آنان شکل نگیرد و آنان هیچ گاه خود را یک ملت نینگارند.

در این میان، یمن یک استثنا بود. شرایط طبیعی آن متفاوت بود و متناسب با آن، تاریخ و تمدن و فرهنگش. مدتها پیش از ظهور اسلام، حبشیان به سوی حمله کردند و از طریق آن به برخی از نقاط داخلی جزیره‌العرب دست‌اندازی کردند؛ همچنان‌که به دلیل یاری‌خواستن حاکم یمن از اوشیروان، گروهی از سربازان ایرانی به آنجا رفته شده به وجود آورده بود، شاور بودند. کم و بیش شبیه و بیشترشان در آنجا اقامت گزیدند. صرف‌نظر از عوامل طبیعی و تاریخی، این تجربیات قبل از اسلام، یمن را «یمن» کرد و یمنی و یمنای بودن به عنوان کم و بیش

# امام علی(ع) وپدیده خوارج



یک «هویست» و تا حدودی یک «ملت» مفهوم یافت و

این عامل، آنان را با ساکنان شبه‌جزیره متفاوت می‌ساخت. بسیاری از حوادث و تحولات قرون اولیه اسلام عمیقاً ناشی از تعارض و کشمکش بین قبايل ساکن در یمن و اوضاع طبیعی و پامدهایش، شبه‌جزیره را در نوعی انزوی تاریخی فسـو برده بود، اگرچه رگه‌هایی از نفوذ فرهنگی و فکری و دینی برون‌سرزمینی در آن یافت می‌شد، اما در مجموع و در مقایسه با همسایگان ایرانی و رومی و حبشی و یمنی، می‌توان گفت مجموعه‌ای منزوی و بسته بود. همین حالت موجب تقویت و تحکیم سـاختارها و علقه‌های قبیله‌ای می‌شد. عملاً «قبیله» سلول جامعه بود و نه «فرد»، و فرد منحل در واقعیت قبیله بود. اراده و اختیار عموماً در اختیار او، غرور و تعصب او، جنگ و صلح او و بالاخره منش و رفتار او همگی در وابستگی‌اش به قبیله مفهوم می‌یافت و بلکه در آن خلاصه می‌شد.

**وحدت دینی، وحدت سیاسی**
۳- برای نخستین بار در تاریخ جزیره‌العرب، ساکنان آن در سالهای آخر عمر پیامبر<sup>(ص)</sup> مکزیت یافتند. قبل از رحلت حضرت، این سرزمین به اسلام گردید و این به معنای به رسمیت شناختن قدرت متمرکز در مدینه بود. دیسن جدید به همراه خود وحدت دینی، و نیز وحدت سیاسی را به ارمغان آورده بود.

پس از خیر وفات پیامبر<sup>(ص)</sup>، برخی از قبايل، به‌ویژه در ناحیه نجد و یمن، سر به شورش برداشتند و بسیاری از آنان مرتد شدند. این ارتدادی دینی و همچنین عساکری سیاسی بود که به‌سرعت و با جان‌فشانی بسیار سرکوب شد. معروف است که این جریان بیش از مقصد نفز از قاربان و محافظان قرآن کشته شدند، مدتی بعد ساکنان این سرزمین

نشر هاد
چاپ اول: ۱۳۹۶
۲۲۴ صص - ۱۳۵۰ تومان
قرآن کتاب جامعی است که برای هدایت بشر نازل شده و آنکارکننده هر چیزی است که بشر به آن نیازمند است و برای آنکه این کتاب روشنگری و توضیح داده شود، خداوند پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را مبعوث کرد و طی بیست و سه سال قدم به قدم و آیه به آیه آن را برای مردمان خواند و به توضیح و تفسیر آن پرداخت از این بهکجا به قدر لیاقت و ظرفیت دانیای خود، از این جز عظیم و چشمه جوشان فیض‌الهی بهره‌مند شدند.

پس از پیامبر<sup>(ص)</sup>، شایسته‌ترین انسان برای معرفی قرآن علی<sup>(ع)</sup> است، چرا که او علاوه بر برخورداری از منصب امامت و جانشینی رسول<sup>(ص)</sup>، معارف قرآن را از شخص آن حضرت آموخته است. خوششان در این‌باره می‌فرماید: «چون آیات نازل می‌شد، پیامبر<sup>(ص)</sup> مرا نزد خود می‌خواند و به من املا می‌کرد و تفسیر و تویل و سایر آگاهی‌های مربوط به آیات را به شخص متعلم خود را به واسطه این حجاب مستغنی بیند و نیازمند به استفاده نالدان و این از شاهکارهای شریفانه است که همیشه کمالات او مجموعه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به با معارف قرآنی سخن می‌گوید، با صراحت بیان می‌فرماید: «چه خدا سبک تمام آیات را می‌دلم که دربار چ به چیزی و چه کسی نازل شده است»؛ پروردگار برای من قلبی همی ساخت؛ عتابی بخشیده‌است».

در اثر حاضر که برگرفته از خطبه‌های نهج‌البلاغه، قرآن از زبان امام علی<sup>(ع)</sup> بیان شده است، در این کتاب از خطبه‌های یکم، چهارم، هشتاد و ششم، هشتاد و هفتم، صد و یکم، صد و سوم، صد و پنجاه و هشتم، صد و شصت و هفتم، صد و هفتاد و ششم، صد و هشتاد و سوم، صد و نود و هشتم و حکمت و سیزدهم استفاده شده و به شرح و

نشر هاد
چاپ اول: ۱۳۹۶
۲۲۴ صص - ۱۳۵۰ تومان
قرآن کتاب جامعی است که برای هدایت بشر نازل شده و آنکارکننده هر چیزی است که بشر به آن نیازمند است و برای آنکه این کتاب روشنگری و توضیح داده شود، خداوند پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را مبعوث کرد و طی بیست و سه سال قدم به قدم و آیه به آیه آن را برای مردمان خواند و به توضیح و تفسیر آن پرداخت از این بهکجا به قدر لیاقت و ظرفیت دانیای خود، از این جز عظیم و چشمه جوشان فیض‌الهی بهره‌مند شدند.

پس از پیامبر<sup>(ص)</sup>، شایسته‌ترین انسان برای معرفی قرآن علی<sup>(ع)</sup> است، چرا که او علاوه بر برخورداری از منصب امامت و جانشینی رسول<sup>(ص)</sup>، معارف قرآن را از شخص آن حضرت آموخته است. خوششان در این‌باره می‌فرماید: «چون آیات نازل می‌شد، پیامبر<sup>(ص)</sup> مرا نزد خود می‌خواند و به من املا می‌کرد و تفسیر و تویل و سایر آگاهی‌های مربوط به آیات را به شخص متعلم خود را به واسطه این حجاب مستغنی بیند و نیازمند به استفاده نالدان و این از شاهکارهای شریفانه است که همیشه کمالات او مجموعه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به با معارف قرآنی سخن می‌گوید، با صراحت بیان می‌فرماید: «چه خدا سبک تمام آیات را می‌دلم که دربار چ به چیزی و چه کسی نازل شده است»؛ پروردگار برای من قلبی همی ساخت؛ عتابی بخشیده‌است».

در اثر حاضر که برگرفته از خطبه‌های نهج‌البلاغه، قرآن از زبان امام علی<sup>(ع)</sup> بیان شده است، در این کتاب از خطبه‌های یکم، چهارم، هشتاد و ششم، هشتاد و هفتم، صد و یکم، صد و سوم، صد و پنجاه و هشتم، صد و شصت و هفتم، صد و هفتاد و ششم، صد و هشتاد و سوم، صد و نود و هشتم و حکمت و سیزدهم استفاده شده و به شرح و

### نظرها و اندیشه‌ها

که نیروی پرشمار و نامظم و انگیزه‌شده‌ای را تشکیل داده بودند، به سوی امپراتوری‌های شمال و شرق سرازیر شدند و در مدت کوتاهی آنها را به زانو درآوردند.

شوق کسب غنیمت و جهانگشایی که رگه‌های نیرومندی از اعتقادات دینی را در برخی از آنان به همراه داشت، اوضاع و احوال کاملاً جدیدی به ارمغان آورد. رقابت‌ها و خصوصت‌های قبیله‌ای فروکش کرد و همگان در حل‌شدنی که پیروزی‌های مداوم و ثروت انبوه سرازیر شده به وجود آورده بود، شاور بودند. کم و بیش شبیه و بیشترشان در آنجا اقامت گزیدند. صرف‌نظر از عوامل طبیعی و تاریخی، این تجربیات قبل از اسلام، یمن را «یمن» کرد و یمنی و یمنای بودن به عنوان کم و بیش

عصیان
بسیاری از موارد پیش از آنکه سیاسی باشد، ناشی از تعارض روحی و اخلاقی‌سی لوازم و ضرورت‌های زندگی شهری بود. لذا بهانه‌جویی می‌کردند و تا آنجا که به مسئله خوارج در ایام امام علی<sup>(ع)</sup> بر می‌گردد، به این بهانه‌جویی رنگ دینی می‌دادند. و این جریانِی طبیعی بود. کیفیت بروز عصیان و ناآرامی، تنها با واقعیت‌های حاکم بر جامعه را می‌گیرد و به این گونه، آنها را به غیرمسئمتی از آن متأثر می‌کرد. نکته دیگر به روابط متقابل خود این قبايل بازمی‌گردد که ماجرای مفصل و دردناکی است. تجلی و فعلیت حساسیت و غرور و تعصب قبیله‌ای در درون صحرای هر قبیله‌ای در سرزمین خود زیست می‌کند و این سرزمین‌ها عموماً به‌طور از یکدیگرند، متفاوت است با هنگامی که اینان در کنار یکدیگر و در درون یک شهر زندگی می‌کنند. در اینجا مشکلات به‌مراتب بیشتر و پیچیده‌تر و غیرقابل علاج‌تر است.

این سخن در مورد بصره هم صصح است. مضافاً به تعداد چشم‌گیری از افراد غیر عرب هم در این دو شهر بودند که عمدتاً ایرانی بودند. کوفه شهری کشتاورزی بود و بویان نه تنها با آن آشنا نبودن را به اشتغال بدان می‌پسندیدند و بلکه ننگ می‌دانستند! بسیاری از آنان کار بر روی زمین و با اشتغال به حرفه و کارهای دستی در «دون شان» خود می‌پنداشتند. در چنین شرایطی طبعی اشتغال به امور نظامی و جنگی، بهترین انتخاب و شغل بود خصوصاً که با روح عصبيت و نخوت و حمیت قبیله‌ای هم هماهنگ بود.

همین عامل بود که کوفه را از داوطلبان و بلکه مزدوران نظامی آنبشته ساخته بود. نظامی‌گری تا مدتها بعد برای آنان یک شغل بود و شورش‌های متعدد این شهر تا ایام دوران عباسی عمدتاً به همین دلیل بود. آنان نیروی شستاور و بی‌شکلی بودند که هر روز در خدمت قدرتی قرار می‌گرفتند. ویژگی مهم آنان تعارض و نبودن تخصص برام وضع موجود بود. امام علی<sup>(ع)</sup> از آنان به عنوان «مُتَعَمِّ زُرع» تعبیر می‌کند. مشکل در زمانی تخفیف یافت که این نظامی‌گران به‌تدریج با زندگی شهری خو گرفتند و در آن هضم شدند. بعد از گذشت فرنها هنوز هم در جزیره‌العرب کسانی که ریشه بدوی دارند، ترجیح می‌دهند در بخشهای نظامی و پلیس و امنیت اشتغال داشته باشند.

توضیح کامل این نکات به طول می‌انجامد. احتمالاً مقایسه خطبه‌های امام علی<sup>(ع)</sup> و نیز زیاد و ابن زیاد و نیز حجاج خطاب به کوفیان، و بعضاً بصریان، نشان‌دهندهٔ ویژگی‌هایی باشد که به اجمال به دلایل پیداری آن اشاره گردید. علی‌رغم تفاوت و بلکه تضاد شخصیت آنان، توصیفشان از ویژگی‌ای کوفیان به گونه‌ای شگرف مشابه است. این نشان‌دهنده آن است که این شهر با مشکلات واقعی و درونی که به مردم برمی‌گشت، درگیر بود.

تفاوت در این است که امام گلایه می‌کرد و آنان تهدید؛ تهدیدی که به تغییر مخاطبان آن ایام، سوی بر بدن راست و قلب را آب می‌کند. سه حاکم نامبرده همچون رهبران خوارج نیمه دوم قرن اول هجری در القای خطبه‌های آتشین و تهدیدآمیز، از مهمترین نشانه‌های اسلام‌گدشته‌اند. اما آنچه این خطبه‌ها را تأثیرگذار می‌کرد، بیان مهج و در عین حال ادیبانه آن در تشریح وضع موجود بود که بعضاً به بهترین شکل ممکن قابل فهم برای عموم القا می‌شد؛ بدین معنی که همگان سخن و مقصد خطیب را درمی‌یافتند. خطبه‌هایی که باید خواند و احساس کرد و به واقع قابل ترجمه نیست.

**معضل قبیله‌گرایی**
۶- تعارض‌های قبیله‌ای فضای عمومی کوفه را به شدت متعوز کرده بود؛ اما مشکل بزرگتر، خصوصت قبايل یمنی بود با هر آن کس و یا قبیله‌ای که به قبیله مضر تعلق داشت. این تعارض به دوران قبل از اسلام بازمی‌گشت. عموم قبايل عرب در آن ایام سبقت از قریشیان را اجمالاً پذیرفته بودند. استثنای بزرگ، اعراب یمن بودند.

در اواخر عمر پیامبر<sup>(ص)</sup>، گروهی از قبايل به مدینه آمدند و با لحنی توهین‌آمیز ایشان را برود خطیب قرار دادند که آیات «سوره حجرات» ناظر بدین داستان است. در زمان سه خلیفه نخست، امکان عمل چندانی برای بروز این واقعیت‌ها نبود. خصوصاً در زمان امویان، آن‌ها مشکلات سر برمی‌آورد و در دوران امامت امام علی<sup>(ع)</sup> به اوج خود می‌رسد.

اصولاً آنها امام را با توجه به شخصیت و علم و دانششان فنون دلالات و حجوم اجتماعات و امثال آن، حتی فیلسوف و کیهان و عارف اصطلاحی را محبوس کند در حجاب غلیظ اصطلاحات و مفاهیم و امثال آن»

**یاران نامناسب**
**درد جانسوز علی(ع)**
**علی ثقفی**
**نشر هاد**
**چاپ اول: ۱۳۹۶**
**۲۳۶ صص - ۱۸ هزار تومان**
امام علی<sup>(ع)</sup> معیار تمام وکامل سنجش مؤمن و منافق و بد و خوب و اجتماعات و منافقان خصوص در سوره مؤمنون به توصیف توصیف شده‌اند، خود را پرتوی از صفات ممتاز آن امام همام دانسته و به تجانس روحی و اعتقادی و اخلاقی به آن حضرت عشق می‌ورزند و منافقان چون صفات خود را در تعارض و مخالفت با امام ملاطفه می‌کنند و نورایت وجود امام، ظلمت و قبح ذاتی آنها را برملا می‌سازد، لذا بغض و کینه او را در دل گرفته و دشمنی سرسخت آن وجود و هستند و در طول تاریخ نمونه‌های زنده‌ای از این واقعیت وجود دارد که اگر به کدام پیامبر کلام نبوی است، امام همواره به جهت حفظ مصالح جامعه اسلامی با این افراد مدارا می‌نمود و آنگاه که کاسه سیرش لبریزی می‌شد، مغالبتی عتاب‌آمیز را در قالب خطبه بیان می‌نمود.

اثرحاضر که برگرفته از خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌باشد، نمونه‌هایی از رفتار پلانی بی‌مروت دنیا با امشائن، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و نیز درها و گلابه‌های امام است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «مثیل دیگر حضرت برای روشنگری وضع این یاران و مقلوات را از آنها گرفت است، ایشان فعلاً زمینگیر و خودباخته شده‌اند و این خصوصیات را به رعب و وحشت انداخته و آمادگی تحرک می‌یابند، اما این‌ها را از آنها گرفت است، ایشان فعلاً زمینگیر و خودباخته شدند و این خصوصیات را به رعب و وحشت انداخته و آمادگی تحرک می‌یابند، اما این‌ها را از آنها گرفت است که با زور و ناچهارم و کارآمد شود، گوشه دیگر آن پاره و رشته رشته

یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۷ - ۱۸ رمضان ۱۴۳۹ - ۳ ژوئن ۲۰۱۸ - سال نود و دوم- شماره ۱۰۹- ۲۷

فضیلت و تقوا و عدالت و سوابقش در اسلام و منزلتش در تسرد پیامبر<sup>(ص)</sup> نمی‌دیدند، بلکه او را «فریش» و «مُضَر» می‌دانستند، با آنکه حضرت بارها از قریشیان به دلایل مختلف گلایه و انتقاد کرده بود و به واقع قریشیان امام را فراوان آزرده و در برابرش ایستادند؛ اما این‌همه نادیده انگاشته می‌شد، مسئله این بود که امام منتسب به چه گروه و چه قبیله‌ای است!

هنگامی که امام<sup>(ع)</sup> این عباس را به عنوان نماینده خود جهت مذاکره با ششامیان تعیین کرد، بزرگ آنان - اشعث بن قیس - با انتخاب امام مخالفت کرد و گفت: «بنابا طرفین مذاکره مضر باشند؛ چرا که عمرو عاص از قریش بود. او گفت: «نماینده ما باید ابوموسی اشعری باشد که فردی است از تمیم»؛ اما نکته همین این بود که گفت: «حتی اگر این انتخاب به زیان ما تمام شود»، چرا که این زیان مغلوب‌تر از نفعی است که از طریق دو نماینده مضر، یعنی ابن‌عباس و عمرو عاص، به‌دست آید! آنان با چنین منطق و عقلانیتی می‌اندیشیدند و عمل می‌کردند.

مسئله از نظر او صرفاً این نبود که ابوموسی نماینده باشد، بلکه این بود که دو مضری نباید به مثابه نمایندگان طرفین مذاکره کنند، حتی اگر نفع ما در چنین انتخابی باشد! حال آنکه ابوموسی به تغییر معاویه فردی بود «زیان‌دراز و کودن» و اصولاً خوارج اولیه چنین ویژگی‌هایی داشتند. گروهی بی‌ترتیب، بدوی، بهانه‌جو و زیان‌دراز که عدالت و نجابت حاکمی چون امام را بر نمی‌تابتند و جز با دشمنی سفاکی چون حجاج آرام نمی‌گرفتند.

۷- چنان‌که گفتیم، اعتراض آنان به دلایل دینی نبود؛ نوعی تنگ‌نظیری و اجبارت و بهانه‌جویی بدوی بود. هنگامی که ششامیان لشکریان امام را به «حکمت» فراخواندند، حضرت فرمود: «این یک حبله است. اصولاً آنان اهل قرآن نیستند که خواهان حکمت آن باشند». در مقابل، ایشان امام را تهدید کردند که در صورت ادامه جنگ، ایشان را خواهند کشت و پس از آنکه مسئله حکمت به اجبار پذیرفته شد و امام، ابن‌عباس را معرفی فرمود، آنان به انتخاب ابوموسی اصرار ورزیدند.

پس از پایان مذاکرات چون نتیجه موافق میلشان نبود، صدا به اعتراض برداشتند که: «پذیرش نماینده اشتباه بوده، و امسام بایدس به دلیل تن دادن به آن، توبه کند!» حضرت می‌فرمود: «قبول آن به دلیل اصرار آنان است و آن چه باید توبه کرد؟» حتی اگر به ضرر امام هم بودن آن را می‌پذیرفت و آنچه را آنان خواهانش بودند انجام می‌داد، باز هم بهانه دیگری می‌یافتند و به شورش‌ها و هیاهو و بی‌نظمی ادامه می‌دادند.

◆◆◆
**تاریخ و فرهنگ جزیره‌العرب عمیقاً از موقعیت جغرافیایی آن متأثر است. این طبیعت، مهمترین عامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی و اخلاق و منش ساکنانش بود. فقدان مهاجم خارجی، موجب شده بود که احساسات فراقبیه‌ای در آنان شکل نگیرد و آنان هیچ‌گاه خود را یک ملت نینگارند. در این میان، یمن یک استثنا بود**

داستان حکمت موجب شد که آنان باطن خویش را نشان دهند: مجموعه‌ای بی‌ترتیب و بی‌اخلاق. در ملا عام به امام توهین می‌کردند و ناسزا می‌گفتند و سخن و خطبه به ایشان را قطع می‌کردند. بارها اتفاق افتاد که در برابر فصاحت و بلاغت کلام حضرت گفتند: خداوند او را یکشد که عجب سخنور بزرگی است! اصحاب امام که این‌همه ناسزا و توهین را تحمل نمی‌کردند، از ایشان می‌خواستند اجازه دهد تا آنان را مجازت کنند و امام اجازه نمی‌داد. اگرچه بعدها حکامان بی‌رحم و خونریز کوفه ایشان را به‌مسئله مجازات کردند. مسئله، مسئله مخالفت با امام نبود، مسئله بدویت و جاهلیت و بی‌فرهنگی مطلق بود.

**خوارج واپسین**
۸- آنچه به اجمال گفته آمد، داستان خوارج در دوران امام علی ابن ابیطالب<sup>(ع)</sup> است. پس از شهادت امام، قدرت بر معاویه مستقر شد که با سیاسی آمیخته از سختگیری و اعرصاب و نیز ملامیت و انقضاض عمل می‌کرد. اگرچه از یکی از مهمترین پایه‌گذاران سیاست تبعیض نژادی و برتری عرب بر عجم بود که پس از مرگش به اوج خود رسید. در این دوره، مردم کوفی می‌خواستند اجازه قلمرو اسلامی و خصوصاً در زمان امویان، آن‌ها مشکلات سر برمی‌آورد و در دوران امامت امام علی<sup>(ع)</sup> به اوج خود می‌رسد.
اصولاً آنها امام را با توجه به شخصیت و علم و دانششان فنون دلالات و حجوم اجتماعات و امثال آن، حتی فیلسوف و کیهان و عارف اصطلاحی را محبوس کند در حجاب غلیظ اصطلاحات و مفاهیم و امثال آن»

امثال این امر، و اهل علوم را نیز قانع کند فقط به دانستن فنون دلالات و حجوم اجتماعات و امثال آن، حتی فیلسوف و کیهان و عارف اصطلاحی را محبوس کند در حجاب غلیظ اصطلاحات و مفاهیم و امثال آن»

می‌گردد و شما تلاش می‌کنید که شاید بتواناذ از آن چاه فرسوده استفاده بیشتری کرده باشید، اما آن قابلیت فایده‌رسانی را از دست داده است. مردم کوفه هم اگر به ظاهر عجم هستند و در اجتماعات بی‌دردسر و راحت شرکت می‌کنند، اما به خاطر تن‌پرووری‌ها و آسوده‌طلبی‌ها، امروز جامه‌ای را می‌پنداند که از درون پوشیده و فرسوده شده‌اند، روحیه مبارزه و استقامت و دین‌مداری را از دست داده‌اند، هر گروهی از ایشان را برای مبارزه آماده می‌کنند، با پاره و پراکنده می‌شوند و اصولاً قابلیت یگانگی و تواناسازی را از دست داده‌اند.

مردم کوفه امروز افرادی عاقبت‌طلب و گرفتار جهالت هستند و قدرت تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی را ندارند، از سوی دیگر حملات بی‌دری معاویه به شهرها و روستاهای آنها را به رعب و وحشت انداخته و آمادگی تحرک می‌یابند، اما این‌ها را از آنها گرفت است، ایشان فعلاً زمینگیر و خودباخته شده‌اند و این خصوصیات را به رعب و وحشت اند























# پزشک در ردای نخست وزیر



**مشکلات قلبی**

برای نخستین بار حدود یکماه پیش از سکنته قلبی ام در سال ۱۹۹۹م. دردی در قفسه سینه‌ام احساس کردم ولی توجهی به آن نکردم. من در «جنتینگ هایلانگ» در مراسم حضور فارغ‌التحصیلان دانشکده پزشکی دانشگاه «لوراد هنتم» بودم که در آن شماری از همکلاسی‌های سابق و فرزندانشان حضور داشتند و به همگان خیلی خوش گذشت. مشغول تماشای برنامه بودم که ناگهان احساس نفس تنگی و درد در قفسه سینه کردم ولی وقتی نشستم این درد و نفس تنگی مرتفع شد. روز بعد عازم اسپس سواری شدم که در آنجا نیز نفس تنگی و درد قفسه سینه مجدداً به سراغم آمد ولی نمی‌توانستم بپذیرم که ممکن است دچار سکنه قلبی شده باشم لذا به کسی چیزی نگفتم و امیدوار بودم عوارض آن خیلی ساده برطرف شود؛ شما حتی وقتی پزشک هم باشید و با نشان‌ها و عوارض هر اتفاق آشنا باشید تمایل چنان‌انی ندارید که بپذیرید دچار مشکلی [در اساق خود] هستید.

در آن ایام معاینات و آزمایش‌های پزشکی کلی انجام نمی‌دام ولی یادم می‌آید بنابه توصیه یک پزشک و پس از آنکه با مشکل افزایش فشارخون روبرو شدم، در لندن در معرض معاینه‌ها و آزمایش‌های پزشکی فشرده‌ای قرار گرفتم. این تجربه پر دردسری روز زیر معاینه مدت زیادی طول کشید و ناگزیر بودم دستگاه فطور الکتروکاردیوگرافی (نوار قلب) را به کمزربندم. من باید در حالی در میهمانی شام حضور می‌یافتم که این دستگاه را با خود داشتم و مثل کسی بودم که سلاح با خود حمل می کرد.

یک ماه پس از مراسم «جنتینگ»، به اتفاق «حاسمه» و همسر «مارینا» [دخترم] به مناسبت تولد «مخزانی» [پسر] در یک رستوران تایلندی شام خوردیم. هرچند خود او حضور نداشت و قرار بود ما چهار نفر باشیم ولی «مارینا» هم حضور نیافت لذا نداشت و «حاسمه» و دیدیبر «همسر «مارینا» در آن زمان، بر سر میز شام حاضر شدیم. غذا برای چهار نفر سفارش دادیم و سرانجام کار به جایی رسید که غذای «مارینا» را هم خودم نوش جان کردم، چه بسا به خاطر محرومیت‌های بود که در زمان جنگ از آن رنج می‌بردیم، البته از حرام شُشدن غذا به هم متفر بودم.

وقتی به خانه رسیدیم ابتدا دردی را در سینه همراه با تنگی نفس احساس کردم ولی این بار عوارض آن از میان نرفت. سعی کردم بنشینم و سپس دراز بکشم ولی درد همچنان پرجا بود و «حاسمه» با دوست متخصصی در بیمارستان عمومی «کوالالامپور» تماس گرفت. او دکتر اجیتی «پین» همکلاسی دانشکده ام بود. پای تلفن، عوارضی را که داشتم برایش توضیح دادم و او نیز پس‌بالافاصله به پایتیم آمد. تشخیص او سکنه قلبی با آنفکتوس قلبی بود. و ناگزیر شد به خانه اش بازگردد تا دستگاه الکتروکاردیوگرافی (نوار قلب) برپایی را بیاورد و وقتی با این دستگاه مشاهده نسبت به تشخیص خود مطمئن شد فوراً به بیمارستان انتقال یافت و با اینکه احساس می کردم اقتدر بهتر هستم که می توانم با آن خود به آنجا بروم اما اصرار کردند که از صندلی چرخدار استفاده کنم.

من باید می پذیرفتم که یک سکنه قلبی هستم زیرا عوارض مشخص و شناخته شده‌ای دارد؛ همچنانکه دردهای سینه و تنگی نفسی که پس از مراسم دانشگاه و اسب سواری احساس کردم نیز از جمله عوارض سکنه قلبی بود. از جمله مواردی که سکنه‌های قلبی را باعث می شود استرس، سفرهای طولانی و به‌ویژه در یک وسیله گردابی است که من آن شب واقعاً پرخوری کرده بودم. وقتی اولین بار آن درد را احساس کردم نباید نسبت به آن بی تفاوت می ماندم و باید می‌پذیرفتم که دچار سکنه قلبی شدام.

ادامه دارد

اعلام حمایت اروپا از جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌های آمریکایی
رخدای است که می توان از منظر رهاپردی دو سوی آتلانتیک به آن نگریست.

بسه گزارش ایرنا، چاره جویی برای مقابله با خروج آمریکا از برجام و وضع تحریم‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری این کشور علیه ایران در حال حاضر به اصلی ترین محور سامعی و گفت وگوهای دیپلماتیک مقامات اروپایی تبدیل شده است.پس از گردهمایی اخیر سران اروپا در پایتخت بلغارستان، کمسیون اروپا اعلام کرد روند حقوقی اجرای مقررات بازدارنده در برابر تحریم‌های آمریکا را آغاز کرده تا مانع از تأثیرپذیری شرکت‌های اروپایی از تحریم‌های ضدایرانی شود.به دنبال این تصمیم، «میکل آزیانس» کمیسیونر انرژی اروپا بسه تهران آمد تا در جهت اطمینان بخشی به مقامات ایرانی در زمینه تداوم روابط تجاری و اقتصادی در طرف گفت وگوهای را به انجام برساند. در روزهای که برخی شرکت‌های اروپایی همچون فولاد ایتالیایی «دانیلی» و «توتال» فرانسه از چالش‌های ادامه حضور در ایران می گویند، برخی رسانه‌ها از رسیدن مقامات اتحادیه و کشورهای عضو به راهکارهایی برای حل مشکلات دادوستد با ایران خبر می دهند از جمله ایجاد خط مستقیم انتقال ارز به بانک مرکزی ایران که می تواند تحریم‌های بانکی واشنگتن را بی اثر سازد.نمدهد سه دولت بزرگ اروپایی به مفاد توافق هسته ای که آن را به اعضا رسانده اند و ضربه شدید سست

پیمانی به پرستیژ اتحادیه از دید بسیاری از ناظران اصلی ترین دلیلی است که اروپایی‌ها به سمت حمایت از ایران و زورآزمایی با واشنگتن پیش می برد.جدای از این دیدگاه، برخی با انگشت نهادن بر متغیرهایی دیگر به تحلیل تکاپوی کنونی اروپایی‌ها مسی پردازند. گروهی بر این باورند اروپا با این واقعیت مواجه است که شدن بر سه افتت سال آینده ترامپ را در کاخ سفید تحمل کند؛ رییس جمهوری که در فضایی چون خروج از پیمان اید و هوایی پاریس، کمین هزینه‌های ناتوان، تقلیل بر سر تعرفه‌های تجاری و ... نشان داد سرسازش با شرکای اروپایی ندارد.

به همین خاطر سران کشورهای اروپایی می کوشند در پرونده ای که تا حد زیادی نگاه جهانی، هنجارهای اخلاقی و حقوقی بین الملل و همکاری قدرت‌های شرقی موضع آنان را تقویت می کند، روند عقب نشینی گام به گام در برابر آمریکا را متوقف سازند.در کنار این تحلیل راهبردی، اروپایی‌ها می‌دانند که دولت آمریکا با سوار شدن بر موج ایران هراسی اسرائیل بر برخی دولت‌های غربی، خود را یک یگانه ششگانه و حامی این قلمداد می کند و ما به زاری آن را در قراردادهای چند دهه میلیارد دلاری می طلبد. این در حالی است که شاید برخی در اروپا تصور کنند می توانند با رویکردی تعاملسی و نه تقابلی فرایند کنترل قدرت فرانیه تهران در خاورمیانه را دنبال کرده و به رقیب جدی آمریکا برای بهره برداری از میلیاردها دلار هزینه عربی رقابت با ایران مبدل نسوند.هراس از افزایش چشمگیر بهاس انرژی نیز برای برخی تحلیلگران

یکی از انگیزه‌های مهم حمایت اروپایی‌ها از تهران به شمار می رود. افزایش قیمت نفت بر اثر خروج آمریکا از برجام، کاهش صادرات انرژی ایران و تنش‌های احتمالی در خاورمیانه مشخصاً زیان‌های فراوانی را متوجه اروپایی‌ها و کشورهای نظیر چین می سازد. این در حالی است که افزایش بهای نفت می تواند سبب به صرفه تر شدن تولید نفت شیل آمریکا شده و رقابتی غربی و تشرقی این کشور – البته نهایی روسیه به عنوان صادرکننده مهم نفت و گاز- را تحت فشار قرار دهد.با توجه به منافع مشترک میان ایران و کشورهای اروپایی در مقابله با تحریم‌های آمریکایی شکل می دهد.

تاکید و همچنین واشنگتن را ترغیب کردند تا اطمینان دهد ساختار برجام بدون آسیب بماند و همچنین از اقدام‌هایی پرهیز کند که در اجرای کامل آن توسط تمامی دیگر طرف‌ها مشکلاتی را ایجاد کند.به این ترتیب، نه تنها متحدان کلیدی آمریکا در اروپا، به حفظ برجام تمایل دارند بلکه به نظر می رسد درصددن در برابر اعمال تحریم‌های ثانویه دولت ترامپ بایستند؛ بسه این دلیل که ایرانی‌ها را به ماندن در این توافق ترغیب و نیز از شرکت‌های اتحادیه اروپایی در برابر تحریم‌های آمریکا محافظت کنند. راس ادامه می دهد: آمریکا به جای آنکه متحدانی برای فشار بر ایران داشته باشند با یک خطر بسیار واقعی و روبروست که نتواند رفتار ایران را تغییر داده و آنها را به میز مذاکره بازگرداند. به نظر می رسد که بی گمان همین روند نیز

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن

به آن















## ولید معلم: حضور ایران در سوریه قانونی است



سرویس خارجی: وزیر خارجه آمریکا، فرانسه و ترکیه که بدون اجازه دولت سوریه وارد صهیونیست ها و آمریکا تاکید کرد که حضور ایران در سوریه قانونی است و بنا به درخواست دولت سوریه در خاک این کشور حضور دارد.

ولید معلم در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت: ایران از همان ابتدای بحران از جمهوری عربی سوریه در مقابله با تروریسم حمایت کرد و ما از رهبری و ملت ایران به خاطر این حمایت‌ها تشکر می‌کنیم. وی با اشاره به حمایت منطقی‌های و بین‌المللی گسترده از گروه‌های تروریستی در سوریه خاطر‌نشان کرد که ایران هیچ حضور نظامی در خاک سوریه ندارد، بلکه مستشارانی از این کشور در کنار ارتش عربی سوریه حضور دارند و به آنها کمک می‌کنند.

معلم گفت: حضور ایران در سوریه قانونی است و بر خلاف حضور آمریکا، فرانسه و ترکیه که بدون اجازه دولت سوریه وارد شده‌اند، به درخواست دولت سوریه بوده است. وزیر خارجه سوریه خاطر نشان کرد که سوریه کشوری دارای حاکمیت مستقل است و با هر طرفی که بخواهد در مبارزه با تروریسم همکاری خواهد کرد. وی در بخشی دیگر از این کنفرانس گفت: تحویل فهرست اسامی اعضای کمیته بررسی قانون اساسی فعلی سوریه به سفیران ایران و روسیه در دمشق بر اساس توافق صورت گرفت که مبتنی بر تحویل آن به طرفین روسی و ایرانی است به دلیل اینکه این دو کشور تضمین‌کننده مسیر مذاکرات آستان هستند.

وی گفت ما اسامی ۵۰ نفر را ارسال کردیم و هر تعدادی که درباره آنها توافق شود، دولت سوریه باید در آنها اکثریت را داشته باشد و تصمیمات کمیته هم با اجماع گرفته شود. معلم درباره اظهاراتی مبنی بر توافق درباره جنوب سوریه نیز اظهار داشت: تا زمانی که نظامیان آمریکایی از منطقه الترف خارج نشده‌ اند، این حرف‌هایی را که از توافق درباره جنوب سوریه گفته می‌شود، باور نکنید.

وزیر خارجه سوریه تاکید کرد: رژیم اشغالگر اسرائیل توافقنامه جداسازی نیروها را که در سال ۱۹۷۹ امضا شده است، با حمایت از گروه‌های تروریستی با هدف ایجاد کمربند امنیتی برای خود نقض کرده است. وی درباره ترکیه نیز گفت: ما ترکیه را دشمن متجاوز و اشغالگر سرزمین خود می‌نامیم، این کشور و احراق حق ندارند درباره شهرهای سوریه مذاکره کنند و ما وجب به وجب خاک سرزمین خود را از آنها خواهیم کرد.

در چنین شرایطی سفیر روسیه در سازمان ملل اعلام کرد که سوریه

و رژیم صهیونیستی بر سر خروج نیروهای همپیمان ارتش سوریه از جنوب غرب سوریه- توافقی کرده‌اند و انتظار می‌رود این توافق به زودی اجرا شود. واسیلی نینزیا، به خبرنگاران گفت: آنچه مهم این است که توافق حاصل شده است و نمی‌توانم بگویم که این توافق

الان به اجرا در آمده یا نه، اما می‌توانم بگویم طرف‌های این فرایند از آن خوشنود هستند. از طرفی رسانه آمریکایی «لومبرگ» که درباره تحرکات

و مواضع رژیم صهیونیستی در سوریه، گزارشی با این عنوان منتشر کرده که در اسرائیل برای شکستن ائتلاف و اتحاد روسیه-ایران در سوریه،

کارزار به راه می‌اندازد.

در رویدادی دیگرجنگنده های ائتلاف آمریکایی موسوم به ضد داعش با حمله به روستا در حومه استان «حسکه» سوریه چند عضو یک خانواده را کشتند.حمله جنگنده‌های ائتلاف به اصطلاح ضد داعش که آمریکا رهبری آن را بر عهده دارد به روستای «ذیب هاج» در جنوب شرقی شهر «الشدادی» در حومه حکسه منجر به کشته شدن هشت غیرنظامی شد که افراد کشته شده از یک خانواده بودند.این در حالی است که واقعیت‌ها نشان می‌دهد ائتلاف مذکور در مواقع لزوم به گروه‌های تروریستی به ویژه داعش برای حمله به مواضع ارتش سوریه و تأسیسات و تجمعات مسکونی این کشور کمک می‌کند.

این درحالی است که یک منبع در وزارت خارجه آمریکا در اظهاراتی راجع به طرحیانه ادعا کرد، واشنگتن برای پایان دادن به درگیری سوریه از جمله نابودی گروه‌های تروریستی در این کشور و تحقق صلح در این منطقه متعهد به حمایت از راحل دیپلماتیک استا وی افغان کرد، راه می‌تواند برای بحران سوریه وجود ندارد. این منبع مدعی شد، آمریکا و شرکایش به نابودی بقایای داعش در سوریه متعهد هستند و واشنگتن بارها تاکید کرده که راه حل نظامی برای بحران سوریه وجود ندارد.

# اطلاعات

سال‌نود و دوم

<b>یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۷</b> <p>۱۸ رَمضان ۱۴۳۹</p> <p>۲۰ آبان ۱۳۹۷</p>	<b>دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۷</b> <p>۱۹ رَمضان ۱۴۳۹</p> <p>۲۱ آبان ۱۳۹۷</p>	<b>سه‌شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۷</b> <p>۲۰ رَمضان ۱۴۳۹</p> <p>۲۲ آبان ۱۳۹۷</p>
<b>ظهر شرعی</b>	<b>ظهر شرعی</b>	<b>ظهر شرعی</b>
<b>غروب آفتاب</b>	<b>غروب آفتاب</b>	<b>غروب آفتاب</b>
<b>آذان مغرب</b>	<b>آذان مغرب</b>	<b>آذان مغرب</b>
<b>نیمه شب شرعی (در تهران و تبریز)</b>	<b>نیمه شب شرعی (در تهران و تبریز)</b>	<b>نیمه شب شرعی (در تهران و تبریز)</b>
<b>۰۵:۰۴ دقیقه</b>	<b>۰۵:۰۵ دقیقه</b>	<b>۰۵:۰۶ دقیقه</b>
<b>۰۵:۰۵ دقیقه</b>	<b>۰۵:۰۶ دقیقه</b>	<b>۰۵:۰۷ دقیقه</b>
<b>طلوع آفتاب (در ارا)</b>	<b>طلوع آفتاب (در ارا)</b>	<b>طلوع آفتاب (در ارا)</b>

## حزب‌الله لبنان: امام‌خمینی (ره) ایران را از یک دولت وابسته، به جمهوری پیشرفته تغییر داد



سخنرانی شیخ نعیم قاسم در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در بیروت

«بنی‌بری» روسای جمهوری و پارلمان لبنان، شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب الله، شیخ «ماهر حمود» رئیس نعيم قاسم، آمریکایی‌ها از ایران هراس دارند چرا که این کشور اسرائیل را شکست می‌دهد.معاون دبیرکل حزب الله لبنان داعش کرد: اسرائیل ایران را تهدید و تجاوز کند اما نمی‌تواند آینده برگزار شد، نمایندگان «میشل عون» و

بقای خود را تضمین کند.وی افزود: امروز دشمنان در شوک قرار دارند چرا که نمی‌توانند پذیرند حزب الله نعيم قاسم، آمریکایی‌ها از ایران هراس دارند چرا که این کشور اسرائیل را شکست می‌دهد.معاون دبیرکل حزب الله لبنان داعش کرد: اسرائیل ایران را تهدید و تجاوز کند اما نمی‌تواند آینده برگزار شد، نمایندگان «میشل عون» و

## حمایت «بشار اسد» از حملات هوایی عراق به داعش در خاک سوریه

سرویس خارجی: «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه در دیدار با سفیر جدید بغداد در «دمشق»، از حملات هوایی ارتش عراق به مواضع داعش در خاک سوریه تقدیر و تشکر کرد و خواستار تداوم این حمایت‌ها شد.وزارت خارجه عراق در بیانیه ای اعلام کرد: «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه در جریان دریافت استوارانه «سعد محمد رضا»، سفیر عراق در دمشق، در حضور «ولید المعلم»، وزیر خارجه، از افزایش همکاری‌های امنیتی بین دو کشور استقبال و از حملات جنگنده‌های ارتش عراق علیه مواضع تروریست‌ها در داخل خاک سوریه تشکر و قدرناتی کرد.براساس این بیانیه، «بشار اسد» همچنین خواستار تقویت روابط اقتصادی بین عراق و سوریه شد زیرا می‌تواند تاثیر مثبتی در تداوم روابط بین ملت‌ها بیا فک کند.از سوی دیگر، سفیر عراق نیز در جریان تسلیم استوارانه خود، درود و تهنیت «افوا معصوم» (الجعفری)، وزیر خارجه کشورش را به «بشار اسد» منتقل کرد و گفت: وجود سفیر دمشق در بغداد به تقویت روابط و همکاری مشترک بین دو کشور بویژه در زمینه امنیتی و اقتصادی کمک خواهد کرد.

در همین حال، «یوهنئی المهندس»، نایب رئیس تشکیلات پیش‌قدم مردمی «الحشد الشعی» گفت: تهدید گروه داعش و سایر گروه های تروریستی علیه این کشور هنوز متنی نشده است و همچنان ادامه دارد.همزمان، «ایچی الیزیدی»، سخنگوی مرکز اطلاع رسانی اخبار امنیتی عراق از کشف و ضبط انبار سلاح و مواد منفجره گروه تروریستی داعش در مناطق مختلف استان های نینوا، الالبتر و بغداد خبر داد.

در تحولات سیاسی و ائتلاف های انتخاباتی نیز، منابع آگاه عراقی نزدیک به «حیدر العبادی»، جایی نخست وزیر کنونی عراق از حزب «الدعوه» را به دلیل اختلاف با رهبران این حزب و آمادگی وی برای نامزدی تصدی مجدد پست نخست‌وزیری از طریق ائتلافی با «السائرون»، وابسته به «مقتدا صدر» و دیگر گروه‌های سیاسی عراقی محتمل دانستند.

این منابع فاش کردند که اختلافات داخلی رهبران حزب الدعوه از جمله «حیدرالعبادی» با «نوری مالکی» در قبال اتحاد آنها با ائتلاف «السائرون» به رهبری مقتدا صدر است که در رتبه اول انتخابات قرار دارند.این منابع گفتند: «نوری مالکی»، معاون رئیس‌جمهوری عراق و رئیس ائتلاف «دولت قانون»، به دلیل مواضع خصمانه «مقتدا صدر» نسبت به وی به هیچ وجه نمی‌پذیرد که العبادی با صدر ائتلاف کند.

در خبر دیگری، جنبش «انصاف الحق» عراق در تروستی خواندن این جنبش را محکوم کرد.این جنبش موضوعی واضح و قاطع در برابر دخالت‌های آشکار آمریکا اتخاذ کند.

از طرفی دبیرکل ناتو در بحبوحه تنش‌ها در خاورمیانه و خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران، به صراحت اعلام کرد که رژیم صهیونیستی روی حمایت ناتسو در صورت حمله احتمالی از سوی ایران حساب باز نکند.

نیس استولتنبرگ، در گفت‌وگو با اشپیکل تاکید کرد: اسرائیل شریک ماست اما عضو ناتو نیست و به همین دلیل، امنیت تضمین شده اعضای ناتو طبق ماده ۵ این سازمان شامل اسرائیل نمی‌شود. وی گفت: ناتو در روند صلح خاورمیانه با درگیری‌های نظامی در این منطقه مشارکت ندارد و این وظیفه ما نیست.

نجات توافق هسته‌ای ایران گفت: توافق با ایران هنوز با برجام و سوال اینجاست که آیا این توافق بدون آمریکا کارایی دارد یا خیر زیرا تاثیر تحریم‌های آمریکا بر شرکت‌های اروپایی بسیار هنگفت خواهد بود. دبیرکل ناتو تاکید کرد: ناتو اساسا دیدگاه متفاوتی به برجام دارد و از این توافق استقبال کرد زیرا نمی‌خواهیم ایران به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کند؛ علاوه بر این، ما همگی نگران برنامه موشکی ایران و فعالیت‌هایی که موجب بی‌ثباتی در منطقه می‌شود، هستیم.

در رویدادی دیگر تیم ملی فوتبال آرژانتین اعلام کرد اعضای تیم هیچ تمایلی به دیدار با دست دادن با هیچ یک از شخصیت‌های سیاسی اسرائیل ندارند.

این بیانیه بعد از درخواست بنیامین نتانیاهو،نخست‌وزیراسرائیل برای دیدار با لیونل مسی، کاپیتان تیم ملی فوتبال آرژانتین در دفترش در قدس اشغالی صادر شد.

### شرکت‌های انگلیسی مشتاق ادامه همکاری با ایران هستند

شرکت‌های علاقه‌مند به تجارت با ایران منتظر صدور دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا برای مقابله با تحریم‌های فرامرزی آمریکا هستند تا به همکاری‌های اقتصادی خود در ایران ادامه دهند.

سپروس مهدی راده معاون رئیس ائتاق بازرگانی انگلیس و ایران در گفتگو با ایرنا گفت: اتحادیه اروپا قرار است ظرف چند هفته آینده دستورالعمل‌های جدیدی را برای مقابله با تحریم‌های فرامرزی آمریکا علیه شرکت‌های اروپایی وضع کند. دولت انگلیس هم برخلاف خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، کاملاً حامی این توافق و از طریق تعامل با سایر اعضای پانل مله در این توافق به دنبال تدوین راهکاری است که بر اساس آن ضمن بهره‌مندی ایران از منافع برجام، شرکت‌های انگلیسی هم قادر باشند به همکاری‌های تجاری با ایران ادامه دهند. مهدی زاده افزود: یک روز پس از خروج آمریکا از برجام، وزارت دارایی انگلیس بیانیه‌ای را منتشر و در آن اعلام کرد که از تعللات تجاری قانونی با ایران حمایت و در جهت آن تشویق می‌کند.مسک‌المعمل سریع انگلیس در انتشار این بیانیه برای احسان کسب‌وکارهای پانل‌بخش بوده و به همین خاطر این مشتاقانه جویای راهکار عملی هستند تا به تجارت با ایران ادامه دهند.

اخیرا حزب القوات اللبانیه به رهبری سمیر جمیع خواهان افزایش سهم وزارتنی خود در دولت آتی شده تا با کرسی‌هایی که در انتخابات پارلمانی به دست آورده هماهنگ باشد. همین مسئله موجب افزایش اختلافات میان این حزب و جریسان آزاد ملی به رهبری جبران باسلیل، وزیر خارجه لبنان شده است. با اینکه شرایط نشان می‌دهد که مرحله تشکیل دولت شاهد درگیری میان فراکسیون‌های بزرگ به ویسبه میان القوات اللبانیه و جبران آزاد مسلسی خواهد بود اما منابعی در کاخ ریاست‌جمهوری لبنان از اهمیت این احتمال کاستند و تاکید کردند که دولت جدید هیچ کس را کنار نخواهد گذاشت و حزب القوات اللبانیه به هیچ وجه مورد هدف قرار نمی‌گیرد و میشل عون، رئیس‌جمهوری لبنان خواهان رفع دغدغه تمامی طرف‌هاست. این منابع گفتند: میشل عون وسعد حریری در حال رفع نگرانی‌های همه طرف‌ها هستند و زمانی که بحث‌های جدی درباره ترکیب دولت شروع شود تمامی موانع برداشته می‌شود. حزب القوات اللبانیه معتقد است کمپین علیه این حزب با هدف تحریک علیه ارتش لبنان صورت می‌گیرد و در راستای تلاش جبران باسلیل برای قطع کردن این حزب است.

شرهای مختلف مردم حضورداشتند. «اسیداحمد حسینی» کاردار ایران در بیروتنیز در ابتدای این مراسمسخنرانی کرد.در خبری دیگرسر شیخ اختلافات میان حزب القوات اللبانیه و جبران آزاد ملی بعد از درخواست این رهبر مذهبی مسیحیان مارونی و دهها شخصیت لبنانی و فلسطینی دیگر و

### رئیس کمیسیون اروپا: قدرت مقاومت در برابر آمریکا را داریم

سرویس خارجی: «ژان کلود یونکر» با اشاره به عدم تمایل اتحادیه اروپا برای جنگ تجاری با آمریکا اعلام کرد: ما هیچگاه برده واشنگتن نمی‌شویم. رئیس کمیسیون اروپا گفت:ما خواستار جنگ تجاری با آمریکا نیستیم اما واشنگتن باید بلداند که اروپایی‌ها برده سیاست‌های داخلی آمریکا نخواهند شد. وی با اشاره به وضع تعرفه خود آمریکا بر واردات فلزات از اروپا افزود: نمی‌خواهیم در این سطح تنش‌تنی صورت بگیرد اما اروپا که بزرگترین بازار در منطقه جهان است، به اندازه کافی قوی است که بتواند در برابر واشنگتن مقاومت کند. این در حالی است که، اتحادیه اروپا برای مقابله با اعمال تعرفه گمرکی آمریکا بر واردات فولاد و آلومینیوم از این اتحادیه، فلزات را به بهانه تهدید سازمان تجارت جهانی کرد.در همین حال، «برونو لومر» وزیر دارایی فرانسه اظهار داشت: وضع تعرفه بر واردات فولاد و آلومینیوم از اتحادیه اروپا از لحاظ قانونی غیرقابل قبول، از نظر سیاسی غیرمنصفانه و از لحاظ اقتصادی خطرناک است.»ترازی می» نخست وزیر انگلیس نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن ابراز تأثر از تصمیم آمریکا سفید برای افزایش تعرفه واردات فلزات آن را اقدامی غیرمنطقی خواند و گفت:صانع فولاد و آلومینیوم انگلیس سهم مهمی در امنیت ملی آمریکا را بعنوان مشاور امنیت داخلی جدید خود معرفی کرد.

«رئیس‌تایفرلند» وزیر خارجه کانادا نیز:از سیاست اتوا علیه واشنگتن درباره اعمال تعرفه های گمرکی به سازمان تجارت جهانی و کمیته توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) خبر داد «بیل مورو» وزیر دارایی کانده هم اقدام آمریکا برسی وضع تعرفه بر واردات فلزات را به بهانه تهدید امنیتی مضحک خواند. در چنین شرایطی،رئیس‌جمهوری آمریکا ضمن درخواست از کانادا برای باز کردن بازارهای خود برای فروش محصولات کشاورزی ایالات متحده در توتنی نوشت:کانادا مدت مدیدی است که با شرکت ها و محصولات کشاورزی ما بد رفتاری کرده و افادانش در تجارت بسیار محدود کننده بوده است. در تئجولی دیگر، کاخ سفید اعلام کرد:رئیس‌جمهوری آمریکا، «داگلاس فیروز» را بعنوان مشاور امنیت داخلی جدید خود معرفی کرد.

## ارتش یمن: از امروز پایتخت امارات دیگر امن نیست

دومین‌بارگرد «آپاچی» ارتش عربستان را این بار در سواحل استان «الجدیده» هدف قرار دادند و سیرگون کردند. از طرفی، در درگیری نیروهای یمنی و ارتش سعودی در جنوب عربستان، هشت نظامی سعودی به هلاکت رسیدند.در حمله یگان موشکی و تکت نیروانداوزان انصار الله یمن نیز دست کم ۲۰۰ هزار مزدورن عربستان در استان «الجدیده» کشته و زخمی شدند.نیروهای ارتش و کمیته ای مردمی یمن همچنین در عملیات، یک گردان از مزدورن عربستان را در منطقه «الغازه» در ساحل غربی یمن متلاشی کردندو ۵۰هزار مزدورن سعودی را کشته و زخمی کردند.

وی سرمایه‌گذاران در «دبی» و «ابوظبی» اسرارات را دعوت کرد تا سخنان او را جای بگیرند و هشدار داد که تشدید اقدامات امارات در ساحل غربی یمن اقدامات قوی‌تر و غیرمنتظره ارتشش و کمیته‌های مردمی یمن را در پی خواهد داشت.همزمان، «محمد ناصر العاطفی»، وزیر دفاع دولت اتحاد ملی یمن وابسته به انصارالله نیز ضمن تهدید عناصر متجاوز به ضربات گندمی و نابودکننده در ساحل غربی و نامشکی که آن‌ها حضور دارند اعلام کرد: یمنی‌ها ما درهای جهنم را به روی اشغالگران متجاوز سعودی باز خواهند کرد.در تحولات مابقی نیز، نیروهای یمنی در کمتر از ۲۴ ساعت

سرویس خارجی:نیروهای مسلح یمنمن در واکنش به اقدام امارات در هدايت عملیات نظامی استان «الجدیده» هشدار دادند که «ابوظبی» با پایتخت این کشور از امروز دیگر امن نیست و این شهر با موشک هدف قرار خواهد شد.سرتیپ «شرف غالب لقمان»، سخنگوی نیروهای مسلح یمن در واکنش به عملیات ائتلاف سعودی به فرماندهی امارات در سواحل غربی و در استان «الجدیده» یمن در سخنانی هشدارآمیز خطاب به امارات به آنان هشدار داد که «ابوظبی» در تیررس موشک‌های یمن قرار دارد و از این پس هدف قرار خواهد گرفت.

### ترامپ در تغییر موضعی آشکار: بار رهبر کره شمالی در سنگاپور دیدار می‌کنم

سرویس خارجی: رئیس‌جمهوری آمریکا که چند روز پیش دیدار با رهبر کره شمالی را لغو کرده بود در یک تغییر موضع کاملاً آشکار اعلام کرد: در تاریخ ۱۲ ژوئن در سنگاپور با «کیم جونگ ایل» دیدار می‌کنم.

ترامپ، پس از دیدار با رئیس سابق سازمان اطلاعات کره شمالی در کاخ سفید گفت: دیدار خوبی داشتم. فکر می‌کنم که این آغاز بزرگی باشد چون انتظار دارم نتایج بسیار مثبتی از مذاکره با یونگ یانگ به دست بیاید و می‌توان نشست سنگاپور را نقطه عطفی در این باره دانست. وی افزود: نمی‌خواهیم ۱۲ ژوئن به سنگاپور برویم و چیزی را امضا کنیم. ما به دنبال آغاز یک روند هستیم.

«جیمز متیس» —وزیر دفاع آمریکا نیز گفت: موضوع حضور نظامی واشنگتن در کره جنوبی در دیدار ۱۲ ژوئن ترامپ و «اون» در دستسور کار نیست. این در حالی است که روزنامه واشنگتن پست نوشت: آمریکا به دنبال راهی مختالنه است تا هزینه اقامت رهبر کره شمالی را که برای دیدار با ترامپ به سنگاپور می رود، تأمین کند.

سرویس خارجی: پادشاه اردن از بیم ادامه تظاهرات ضد دولتی مردم و تبدیل آن به اعتراضاتی همانند «بهار عربی» برای سرنگونی نظام پادشاهی‌اش، از دولت این کشور خواست تا تسلیم خواست‌های گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این کشور صورت گیرد. این کشور از روزنامه اردن است، دست کم ۲۵۰ هزار اردنی شهیاد را تا صبح در خیابان‌ها و پادین شهرها سپری می‌کنند و شعارهایی به سبایقه ای مله و دولت و مستحاکمی این کشور سر می‌دهند. در همین حال، منابع خبری گفتند: همزمان با دولت اردن ۷۸، نماینده پارلمان این کشور نیز در اقدامی روزنامه «القدس العربی» در همین رابطه نوشت، با وجود آنکه شاه اردن تصمیم دولت برای افزایش بهای فرآورده‌های نفتی را لغو کرده و اعتراضات گسترده مردمی در اعتراضات به اوضاع بد اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سراسر این



## بعد از رحلت امام



\* در ابتدا از زمان شروع آشنایی خودتان با حضرت امام بفرمایید.

قبل از شروع مبارزات، با امام و افکار ایشان آشنا شدیم. ایشان خیلی محکم بودند به این که اکنون اسلام است که می تواند کشور را نجات بدهد. و چیز دیگری غیر از اسلام نمی تواند. و مصر بودند که مردم را علیه آمریکا و رژیم متحد کنند. و این جزو اعتقادات جدی ایشان بود و علنی هم آن را مطرح می کردند.

نکته ای که همیشه برای ما روشن بود، نظر و رفتار ایشان این بود که می گفتند احزاب و گروههایی که در حال مبارزه هستند، خوب هستند. اینها با ادبیات سیاسی خوب مبارزه می کنند، ولی آنچه که شما باید دنبال آن باشید، مردم هستند. کارتان این باشد که مردم را آگاه کنید.

از نظر ایشان مردم معتقد به اسلام بود. مثلاً وقتی که بحث گروههای منافقین پیش آمد، آقای طالقانی، من و کسانی که سهمی زیاد داشتیم، موافق بودیم که اینها تقویت شوند. ولی امام هیچوقت حاضر نشدند بپذیرند. ما از امام خواستیم که تأیید کنند، اما ایشان تأیید نکردند. مخالفت هم نمی کردند. اشکالاتی به ذهن ایشان می رسید. دوران طولانی گذشت و آنها به انحراف رسیدند و تجزیه شدند.

بنده در سفری که به صورت قاچاقی ( آقای محمد منتظری برای من تذکره ای درست کرد ) به عراق و خدمت امام رفتم، به ایشان عرض کردم که پارسال هم می خواستم بیایم خدمت شما تأیید کنید این ها را، ولی امسال آمدم عرض کنم که شما در نجف واقعیت را بهتر از ما تشخیص دادید. لذا حضرت امام مصداقشان مردم بود. وقتی که به ایران آمدند، هیچ وقت به چیزی غیر از مردم تکیه نکردند.

\* می دانیم که سکان داری چنین انقلابی در شرایط سخت کار ساده ای نبوده است. در مواجهه با این موارد، چه چیزهایی از حضرت امام به خاطر دارید؟ و برخورد امام چگونه بود؟

همان اوایل کم و بیش مدتی اخبار غیر موثق و شایعاتی می شنیدیم که توطئه ای در حال شکل گیری است. یکی از این توطئه ها این بود که عده ای می خواستند جماران را بمباران کنند. گویا از افراد آن گروه (وقتی که همه چیز آماده بود برای حمله) یکی موضوع شان را با مادرش در میان گذاشته بود و مادرش هم به او گفت، زود برو و مسئله را بگو. تقریباً حدود سحر خودش را به دفتر آیت الله خامنه ای در آن موقع شب رساند. من هم آنجا بودم. به هر حال ما از طریق او مسئله را فهمیدیم و معلوم شد عده ای می خواهند از همدان با فانتوم بیایند و جماران را بمباران کنند.

ما دو نفری بلافاصله رفتیم خدمت امام. از امام خواستیم که از جماران بیرون بروند. و آن شب در جماران نباشند. ایشان نپذیرفتند. فرمودند که فرض کنیم که اینها چند تا بمب از هوا انداختند و جاهایی را هم خراب کردند، بالاخره آنها باید بیایند روی زمین. روی زمین وقتی که آمدند با مردم مواجه اند. روحیه حضرت امام این جوری بود.

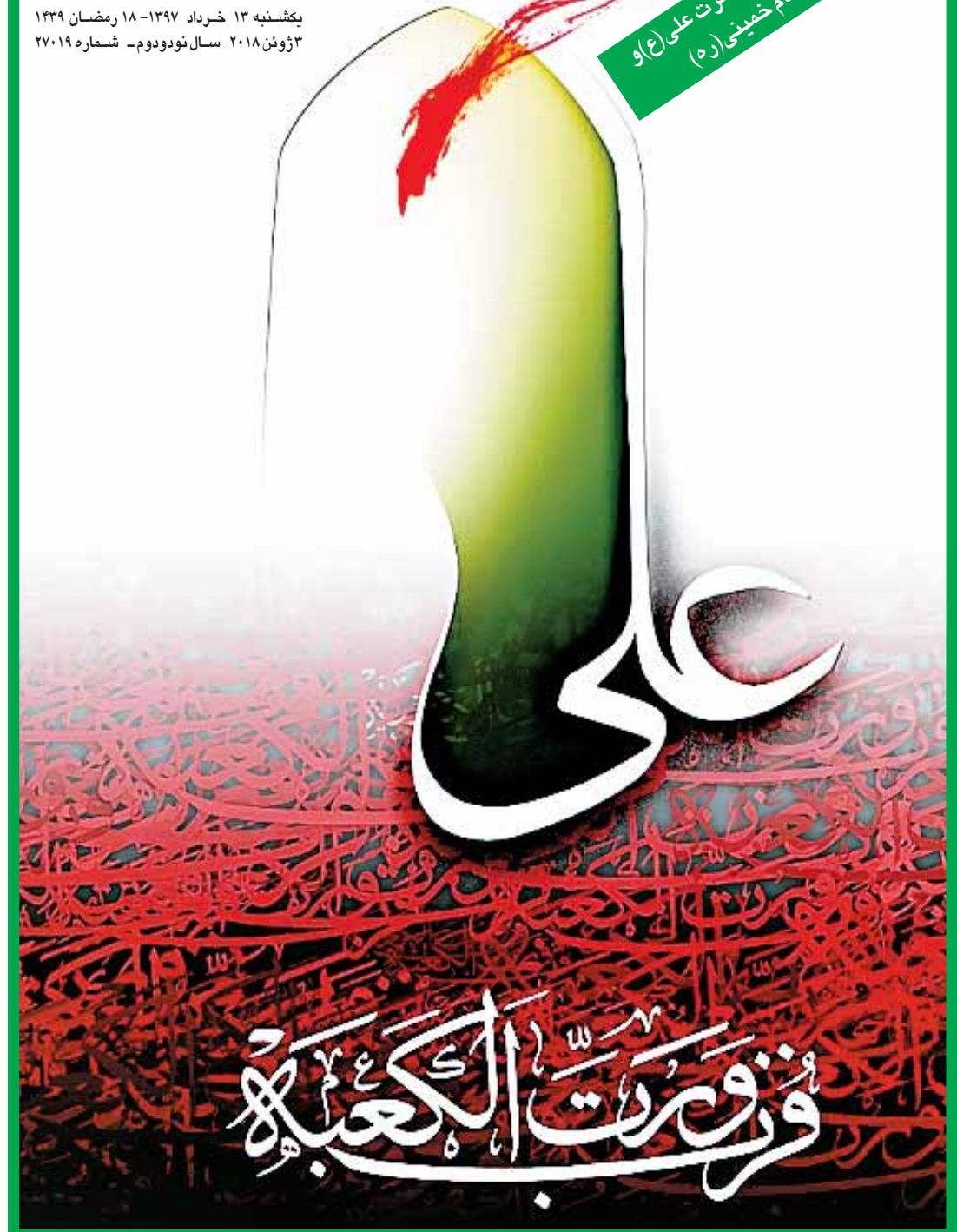
\*وقتی شما از فرازهای رهبری حضرت امام تعریف می کنید، آن گونه که همگان شاهد آن بودیم؛ تصمیمات ایشان داهیانه، هوشمندانه و زیرکانه بود. حضرت امام ده سال پس از پیروزی انقلاب در قید حیات بودند و بعد از ایشان نیز رهبری انقلاب را حضرت آیت الله خامنه ای عهده دار بودند. و شما هم همچنان نزدیکترین یار و همراه ایشان بوده و هستید. تحلیل شما از این هیجده ساله اخیر از سکان داری کشتی انقلاب چیست؟

بقیه در صفحه ۳

## ضمیمه اطلاعات

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۷ - ۱۸ رمضان ۱۴۳۹  
۳ ژوئن ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۷۰۱۹

ویژه نامه شهادت حضرت علی(ع) و ارتحال امام خمینی(ره)



## چگونگی ضربت خوردن حضرت امیر(ع)



دکتر سیدجعفر شهیدی

بلاذری به روایت خود از حسن بن بزیع آرد: «چون پسر ملجم او را ضربت زد گفت: فزت و رب الکعبة و آخرین سخن او این آیه بود. «و من يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرأ یره» (۲)

روایت‌های شیعی و برخی از روایت‌های اهل سنت نیز با آنچه ابن اعثم نوشته مطابقت دارد. به هرحال، امام را از مسجد به خانه بردند. دیری نگذشت که قاتل را دستگیر کرده و نزد او آوردند. بدو فرمود:

- «پسر ملجمی؟»

- «آری!»

- «حسن او را سیر کن و استوار ببند! اگر مُردم، او را نزد من بفرست تا در پیشگاه خدا با او خصمی کنم و اگر زنده ماندم یا می‌بخشم یا قصاص می‌کنم.»

این سعد نوشته است امام فرمود:

چگونگی ضربت خوردن حضرت علی(ع) در نوشته تاریخ‌نویسان پیشین یکسان نیست. در حالی که طبری و ابن سعد و دیگران نوشته‌اند: «چون [حضرت علی علیه السلام] از سائبانی که به مسجد می‌رسد، بیرون شد، ابن ملجم او را ضربت زد.» یعقوبی که تاریخ او پیش از اینان نوشته شده گوید: «پسر ملجم از سوراخی که در دیوار مسجد بود، شمشیر بر سر او زد.» اما نوشته ابن اعثم که هم عصر طبری است، با نوشته آنان مخالف است و با آنچه میان شیعیان مشهور است مطابق می‌باشد. وی چنین می‌نویسد:

«پسر ملجم شمشیر خود را برداشت و به مسجد آمد و میان خفتگان افتاد. علی(علیه السلام) اذان گفت و داخل مسجد شد و خفتگان را بیدار می‌کرد، سپس به محراب رفت و ایستاد و نماز را آغاز کرد، به رکوع، و سپس به سجده رفت. چون سر از سجده نخست برداشت، ابن ملجم او را ضربت زد و ضربت او بر جای ضربتی که عمرو پسر عبدود در جنگ خندق بدو زده بود آمد. ابن ملجم گریخت و علی در محراب افتاد و مردم بانگ برآوردند امیرمؤمنان کشته شد.» (۱)

بقیه در صفحه ۲



## چگونگی ضربت خوردن حضرت امیر(ع)



دکتر سید جعفر شهیدی

از هم، روی بگردانید و پیوند هم را بگسلانید.

امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید تا بدترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند. آنگاه دعا

کنید و از شما نپذیرند. پسران عبدالمطلب! نبینم در خون مسلمانان فرو رفته‌اید و دست‌ها را بدان آلوده، و گویند امیرمؤمنان را کشته‌اند. بدانید جز کشته شدن من نباید کسی به خون من کشته شود.

بنگرید! اگر من از این ضربت او مُردم، او را تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اندام او را مبرید که من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم می‌فرمود: «بهریزید از بریدن اندام مرده، هر چند سنگ دیوانه باشد.» (۳)

اندک اندک آرزوی او تحقق می‌یافت و بدانچه می‌خواست نزدیک می‌شد. او از دیرباز، خواهان شهادت بود و می‌گفت: «خدایا بهتر از اینان را نصیب من دار و بدتر از مرا بر اینان بگمار!»

علی(ع) به لقاء حق رسید و عدالت، نگاهبان امین و بر پا دارنده مجاهد خود را از دست داد، و بی‌یاور ماند. ستمبارگان از هر سو دست به حریم آن گشودند و به اندازه توان خود اندک اندک از آن ربودند، چندانکه چیزی از آن بر جای نماند. آنگاه ستم را بر جایش نشاندند و همچنان جای خود را می‌دارد تا خدا کی خواهد که زمین پر از عدل و داد شود، از آن پس که پر از ستم و جور شده است.

چون علی(ع) را به خاک سپردند. امام حسن(ع) به منبر رفت و گفت:

«مردم! مردی از میان شما رفت که از پیشینیان و پسینیان کسی به رتبه او نخواهد رسید. رسول الله پرچم را بدو می‌داد و به رزمگارش می‌فرستاد و جز با پیروزی باز نمی‌گشت. جبرئیل از سوی راست او بود و میکائیل از سوی چپش. جز هفتصد درهم چیزی به جای نهاد و می‌خواست با آن خادم بخرد.» (۴)

جز وصیت کوتاهی که نوشته شد، از امام وصیت‌های دیگری نیز در سندهای قدیمی دیده می‌شود. برخی از آنها را پیش از ضربت خوردن فرموده و برخی را پس از آن که متوجه دیدار خدا گردید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ ابن اعمش، ج ۴، ص ۱۴۰-۱۳۹

۲. انساب الاشراف، ص ۲۹۹

۳. نامه ۴۷

۴. طبقات، ج ۳، ص ۲۶

\*برگرفته از کتاب علی از زبان علی



بقیه از صفحه اول

«بدو خوراک نیکو دهید و در جای نرمش بیارمانید.»

و هم او نوشته است روزی که علی مردم را برای بیعت می‌خواند، این ملجم دوبار برای بیعت پیش آمد و علی او را راند. سپس فرمود از پیغمبر شنیدم او ریش مرا از خون سرم رنگین خواهد کرد. امام در آخرین لحظه‌های زندگی فرزندان خود را خواست و به آنها چنین وصیت کرد:

«شما را سفارش می‌کنم به ترسیدن از خدا، و این که دنیا را نخواهید هر چند دنیا پی شما آید. و دریغ مخورید بر چیزی از آن که به دستتان نیاید و حق را بگویند، و برای پاداش [آن جهان] کار کنید و با ستمکار در پیکار باشید و ستم‌دیده را یار. و شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها و آشتی با یکدیگر، که من از جد شما شنیدم،

می‌گفت: آشتی دادن میان مردم بهتر است از نماز و روزه سالیان. خدا را، خدا را درباره یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید و نزد خود ضایعشان مگذارید. خدا را، خدا را. همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شما، پیوسته درباره آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود.

خدا را، خدا را، درباره قرآن، مبدا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن.

خدا را، خدا را، درباره نماز که ستون دین شماست.

خدا را خدا را در حق خانه پروردگارتان! آن را خالی مگذارید، چندانکه در این جهان ماندگارید که اگر [حرمت] آن را نگاه ندارید به عذاب خدا گرفتاری.

خدا را خدا را، درباره جهاد در راه خدا به مال‌هاتان و به جان‌هاتان و زبان‌هاتان، بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن. مبدا

## صفات امیر المؤمنین(ع)



امام موسی صدر



ای علی دوست، ای کسی که برای علی بر سر می‌زنی، به سوگ می‌نشین، ای کسی که برای علی جمع می‌شوی و چراغ روشن می‌کنی، ای کسی که برای علی اشک می‌ریزی، ای کسی که با شنیدن منقبت علی دلت شاد می‌شود، بشنو و بترس و بلرز از این حرف. اگر دنیای امروز بخواهد علی را بشناسد، چطور می‌شناسد؟ دو راه دارد. یک راه از طریق تاریخ است. راه دیگر از طریق پیروان علی است. فرض کنیم یک نفر می‌خواهد علی را بشناسد. می‌خواهد پیروان علی، مأمومین علی، دنباله‌روهای علی، شیعیان علی را بشناسد، تا علی را بشناسد. چه می‌بیند؟ آیا علم می‌بیند؟ آیا تقوا می‌بیند؟ آیا علاقه به یتیم که در علی بود می‌بیند؟ آیا خدمت به مردم می‌بیند که در علی وجود داشت؟ آیا شجاعت و صراحتی می‌بیند که در علی بود؟ به هوش باش! چگونه می‌خواهی علی را بشناسی؟ چرا سقیه باشیم؟ چرا بی سواد باشیم؟ درست است که ما ننگ علی باشیم؟...

شخصی از حضرت صادق(ع) می‌پرسد که ما نام شما را بر اولاد خود می‌گذاریم، آیا این کار به کمک ما می‌آید؟ حضرت می‌فرماید: بله و «هل الدین الا الحُب» آیا دین جز دوستی چیزی هست؟ سپس برای اینکه اشتباه نشود، می‌گوید: «فل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله» (آل عمران/۳۱)، کسی که خدا را دوست دارد، پیرو پیغمبر خداست. بنابراین ایمان علی و کمال ایمانش موجب می‌شود که جزو دین شود و پیامبر(ص) بفرماید: «لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری/۲۳).

علی چون ایمان کامل است، واکنشهای متفاوتی در مقابل دنیا دارد. گاه به نظر می‌رسد که برای دنیا حرص می‌زند و دنبال خلافت می‌رود. گاهی هم می‌گوید ای دنیا «غری غیری» برو دور شو، من

خطبه علی در روز خلافتش، آن روز که دنیا با تمام زیبایی‌هایش به علی رو می‌کند، مانند روزی است که می‌خواهد بمیرد؛ زیرا دنیا برای او رسالت است، امانت است، دنیا برای علی وسیله کار است. او در حالت غضب و آرامش یکنواخت است.

ما می‌گوییم علی(ع) امام ماست. امام یعنی چه؟ امام یعنی پیشوا. در نماز جماعت وقتی امام می‌گوید: الله اکبر، مأموم هم می‌گوید: الله اکبر. رکوع که می‌کند، مأمومین هم رکوع می‌کنند و این یعنی پیروی کردن. ولایت ما از علی(ع) هم به همین معناست.

علی(ع) چگونه بود؟ آیا تاکنون دیده‌اید که امام در قیام باشد و مأمومین او در سجود؟ یا امام در سجود باشد و مأمومین ایستاده باشند؟ آیا در این حالت شما می‌گویید که این آقا امام اینهاست، می‌گویند یا نمی‌گویند؟ البته که نمی‌گویند. این سخن مسخره است. باید بررسی کنیم که ما چگونه مأمومین این امامیم؟ علی شجاع، ما ترسو؛ علی کریم، ما بخیل؛ علی خوش اخلاق، ما بد اخلاق؛ علی توانا، ما ترسو و طماع؛ علی صادق و الی آخر.

معنای امامت چیست؟ همان طور که گفتیم، سر کمال علی(ع) ایمانش است. راهی است که برای ما هم باز است. این راهی است که علی رفت، بفرمایید شما هم بروید. علی صد درجه‌اش را رفت و آن شد، تو یک درجه‌اش را برو و یک صدم علی بشو. راه باز است، برای همه، باز نیست؟ ما کمال علی را در ایمانش می‌دانیم. با ایمان به خدا و ازدیاد این ایمان می‌توانیم راه علی را برویم. اما ما چه کرده ایم؟ ما که شیعه علی هستیم و باید از او پیروی کنیم، چه کرده‌ایم؟ بعضی از ما، نمی‌گویم همه، صادقانه پیروی نکرده ایم. خب، حالا که نکردیم چه چیز از دستانم رفته است؟ عزت و شرافت و هدایت و نجاتی که باید برای شیعه علی(ع) باشد، مهجور مانده است.

دلیل در تمام زندگی علی(ع) یک هماهنگی کامل دیده می‌شود: «و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافا کثیرا» (نساء/۸۲). علی(ع) با ایمانش بازی نمی‌کرد. در بازار همانی بود که در خانه بود، در خانه‌اش همانی بود که در جنگ و در جنگش همانی بود که در مسجد مشاهده می‌شد. یک ذات داشت. اینجا و آنجا نمی‌شناخت. در تمام دنیای خدا، علی(ع) ولی خدا بود. در همه جا در مقابل خویش و بیگانه یکنواخت بود. همه قضیه عقیل را می‌دانید. ملاحظه فرمودید که برای او برادر و خویش و بیگانه فرقی نمی‌کند. آنجا که رضای خداست همه چیز هست و آنجا که نیست، هیچ چیز نیست. در روز مرگش و روز خلافتش حرف‌هایش یکی است.



بقیه از صفحه اول

اولاً خسود حضرت امام مقدمات آن را فراهم کردند که ما به آسانی توانستیم به رهبری آیت الله خامنه ای برسیم. آسان نبود. به گونه ای بود که من و خود ایشان و دیگر رفقایمان، همه به این فکر بودیم که طبق قانون اساسی شورای رهبری از سه نفر تشکیل دهیم. از آقای خامنه ای، موسوی اردبیلی و مشکینی. همه چیز را هم تنظیم کرده بودیم؛ ولی حضرت امام مقدماتی فراهم کرده بودند که رسیدن به فرد آسان شد. چون در قانون اساسی شورا بود. به هر حال آسان شد که به فرد رای بدهیم.

وقتی که رای مطرح شد، با آن چیزهایی که از امام نقل شد، بعضی هایش را من گفتم، بعضی هایش را آقایان دیگر گفتند؛ خبرگان قانع شد که نظر امام به ایشان بوده. و من هم می دانستم که نظر امام به ایشان است. بعد از آن که این کار را کردیم، از نظر من که نسبتاً به شرایط کشور آشنا هستم، بهترین انتخابی که ممکن بود، انجام شد.

حالا که سالها گذشته، وقتی فکر می کنم خیلی ها از شخصیت های بزرگ در کشور هستند، شبیه ایشان نمی بینم که با آن سوابق طولانی مبارزه و جهاد، با دانش بسیار نیرومند (ایشان بسیار با استعداد هستند و درس هم خیلی خوب خواندند و خیلی هم درس دادند) و با مدیریتی که از خودشان نشان دادند، در این مدت مجموعاً فکر می کنم خداوند ما را هدایت کرد که بهترین انتخاب را در آن موقع انجام دادیم.

امیدوار بودیم که برای آینده فکر کنیم همیشه دستانمان پر باشد. هنوز من قدری تأمل دارم که به آسانی بشود کسی جای آیت الله خامنه ای را پر بکند. البته خداوند این انقلاب را خوب حفظ می کند. بعد از امام هم ما این نگرانی را داشتیم و شخصیت های بزرگی هم در کشور هستند. نمی شود هیچ وقت مایوس بود؛ اما انصافاً بهترین انتخاب بود و از خودمان به خاطر این کاری که کردیم راضی هستیم.

**\*تأکید حضرت امام همواره به مردم و نقش آنها بود. انصافاً چه در انقلاب و چه در اداره کشور، وقتی به تاریخمان نگاه می کنیم، در این ۲۸ ساله مردم بودند. هم در آن دوره امام به خصوص بر روی جوانان تأکید داشتند و امروز هم برای مجموعه نظام جوانان و نوجوانان فوق العاده مهم هستند. برای نسل امروز و آنهایی که در قبل از انقلاب شاهد شکل گیری انقلاب و حوادث مهم آن بودند، بفرمایید که اکنون انقلاب و کشور ما در کجای این دنیای پر تلاطم و پر از تحول قرار دارد؟ به ویژه این که ما در مسیر یک برنامه خیلی مهم و تدوین شده برای ایران سال ۱۴۰۴ قرار داریم.**

از شروع مبارزات، ما با کارشکنی خارجی ها و همچنین کسانی که در داخل اسلام را قبول نداشتند، مواجه بودیم. بعد از پیروزی انقلاب هم هیچوقت ما را راحت نگذاشتند، اما با هوشیاری امام، با آن رفتارندومی که برگزار کرد، با آن قانونی که نوشته شد، با رهبری امام و نیروهای خوبی که در انقلاب حضور داشتند؛ اعم از جوان ها و نیروهای متعدد، بر همه این توطئه ها غلبه کردیم. آنها فکر می کردند که با کودتاهای مسئله را حل می کنند که کودتا هم برای آنها مشکل درست کرد و عواملی هم که در داخل کشور داشتند را نیز از دست دادند. جنگ را شروع کردند. ارتش میجهز صدام که در مقابل با ایران تجهیز کردند؛ شوروی، غربی ها، منافقین، ارتجاع منطقه همه پشت سر صدام رفتند و فکر می کردند که می توانند خوزستان را بگیرند و ایران با رفتن خوزستان از پای در می آید.

بعد از شکست این حربه هم انواع توطئه ها و تحریم ها را به راه انداختند. حالا هم که به خیال خودشان میجهز تر و آماده تر دارند می آیند سراغ ما. اما وضع ما از گذشته خیلی بهتر است. ما آن روز چی داشتیم؟ امروز نیروهای مسلح با قدرت فراوان داریم. آن روزها ما چیزی در اختیارمان نبود. امکانات کشور وابسته بود. الان اکثر نیازهایمان در داخل کشور تامین می شود. مدیران تربیت شده در همه صحنه ها داریم. مردم ما آگاه ترند. خیلی امکانات داریم که در گذشته نداشتیم.

من ایران را نسبت به اوایل انقلاب به مراتب نیرومندتر می بینم. آمریکا و دوستانشان قوی تر از گذشته نیستند. آنموقع آنها درباری ها، منافقین، گروهکها را در داخل داشتند، الان ندارند. لذا ایران نسبت به گذشته بسیار نیرومند تر است. الان هم با ما مسئله

خاصی دارند، که مسئله هسته ای ست که عبارتی یکی از هسته های اصلی توسعه بیست ساله و آینده ایران است. و دنیا را هم سر این مسئله دارند علیه ما تجهیز می کنند. یعنی آنها دیدند که ایران دارد از لحاظ توسعه به یک جای غیر قابل برگشتی می رسد. ما درست در مرز این مسئله هستیم و شاید هم از مرز عبور کردیم که به این نقطه رسیدیم. آنها که نمی توانند مثلاً بگویند که ایران چرا اینقدر دانشجو، اینقدر دانش، اینقدر استاد دارد ولی وقتی که می گویند ایران دارد از تروریست ها حمایت می کند و به مسائل هسته ای هم دست یابی پیدا می کند و امثال این شعارها، توانستند قدرتهای زیادی را با خودشان همراه کنند.

### گفتگو با مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی

## بعد از رحلت امام



ولی اشتباه می کنند. همه این کارها ممکن است که ما را به زحمت بیاندازد اما خودشان هم به زحمت می افتند. آنها برای ما جنگ روانی ایجاد کردند و ما را به زحمت انداختند ولی من مطمئن هستم که ما باز هم پیروز از این معرکه در می آییم. البته به شرط اینکه درست رفتار کنیم خداوند به هیچکس چک سفید امضا نمی دهد.

**\* آذر ماه ۵۷ از حبس رژیم طاغوت آزاد شدید. در تصاویری که از ورود حضرت امام مشاهده می کنیم، حضرت تعالی در نزدیکی های حضرت امام نبودید. آن موقع شما چه کار می کردید و در کجا بودید؟**

من اول فکر می کردم که حالا که از زندان آزاد می شوم، وقت هایم را صرف تکمیل کارهای قرآنی کنم که به چاپ برسانم. ولی دو سه روز گذشت دیدم نمی شود، دوباره وارد همان کارهای قبلی مان شدم و همکاری مان را با دوستانمان مجدداً شروع کردیم. تقریباً همه وقتم با جمعی از دوستان، صرف هدایت مبارزه می شد. حتی من به پاریس نرفتم. این همه که امام را دوست داشتم، آنجا هم گاهی امام از احمد آقا می پرسید که فلانی چرا نمی آید؟ من گفتم یک وقت مناسبی می آیم.

آنقدر امام را دوست داشتم که یک وقتی در زمان صدام بسه عراق به صورت قاچاقی رفتم، که می توانست خطر مرگ داشته باشد. البته کاری هم با امام داشتم. پاریس هم نرفتم. همه وقتم صرف مبارزه می شد. از طرفی هم تمایل نداشتم که خودم را نشان بدهم و یا در سخنرانی و... البته می شد در خیلی از جاها آدم ظهور بکند؛ به خصوص در آن روزها، خیلی کم ظاهر می شدم. مثلاً وقتی که تحصن در دانشگاه تهران کردیم، در مسجد دانشگاه سخنرانی کردم. البته قبلاً با سخنرانی مبارزه می کردیم. وقتی که امام هم آمدند اگر بنا بود کسی برود در هواپیما به استقبال امام و یا کنار ایشان بایستد توقع امام این بود که ماها باشیم دیگر. امام از همان جا من را به عنوان عضو شورای انقلاب تعیین کرده بودند یا به عنوان کسی که قضیه مصرف داخلی نفت را حل کنم. روابط مان در این حد محکم بود من عقب جمعی که امام حرف می زد ایستاده بودم و کنترل می کردم نگران بودیم. امام آمده بودند در کشوری که حاکم آن دشمن ایشان است. و هر خطری می شد اتفاق بیفتد. آن لحظه ای که خبر مفقود شدن امام به ما رسید؛

من و آیت الله بهشتی، آیت الله موسوی اردبیلی نرفته بودیم بهشت زهرا. تا میدان آزادی آمدیم دیدیم همه چیز به هم خورد، نظم دیگر نیست؛ آمدیم خانه آقای اردبیلی نشستیم با تلفن اوضاع را کنترل می کردیم. بعد از این خبر دو سه ساعت خیلی سخت گذشت. خیلی تلاش کردیم اوایل شب بود که به ما اطلاع دادند که ایشان در منزل یکی از بستگانشان است. خیالمان راحت شد. شرایط شریاطی نبود که آدم بخواهد خودش را مطرح کند. اواخر شب ایشان به مدرسه رفاه آمدند. دیگر خیلی دیر بود ما نخوابستیم مزاحم ایشان شویم صبح به خدمت ایشان رفتیم. وقتی وارد اتاق شدم با کلمه محبت آمیز گفتند: کجا بودی؟ این مدتی که ما

### گفتگو با مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی

## بعد از رحلت امام



اینجا بودیم ترا ندیدیم. عرض کردم کارهایی هست که شما ترجیح می دهید ما آنجا باشیم.

**\* حضرت امام ابتدا میل نداشتند روحانیون وارد گرداندن امور حکومتی شوند؟**

گرداندن نه! در مورد امور اجرایی ایشان چنین نظری داشتند. وقتی که ایشان شورای انقلاب را تأسیس کردند، پنج نفر را انتخاب کردند. هر پنج نفر روحانی بودند؛ آیت الله مطهری آیت الله موسوی اردبیلی، دکتر باهنر، آیت الله طالقانی (احتمالاً) و من گفتند هر کسی را که بخواهند اضافه کنند، این پنج نفر پیشنهاد بدهند و امام تصویب بکند. معنای این حرف این است که در بین این همه نیروهایی که مبارزه می کردند، گرداندگی کار را بر عهده روحانیت گذاشتند و بعد پیشنهادهایی که ما دادیم آیت الله خامنه ای مشهد بودند و در آنجا خیلی مؤثر بود. نه چون مشهد مهم بود ولی گفتیم که ایشان در سطح ملی کار کنند. آیت الله مهدوی کنی و کم کم افراد دیگر را معرفی کردیم.

غیر روحانی ها را ما پیشنهاد کردیم و امام پذیرفتند. بالاخره شورای انقلاب همه کاره کشور بود اما در مورد امور اجرایی بله نظر امام این بود که بهتر است روحانیت در امور اجرایی نباشد و گاهی هم تأکید می کردند که اگر مجلس تشکیل می شود کار روحانیت در مجلس باشد. منتها شرایط به گونه ای بود که بعد ایشان به این نتیجه رسید که نمی شود روحانیت را اینگونه خیالشان را راحت کنیم و مسوولیت ها را به دیگران بدهیم و بعد که مثلاً حیثیت روحانیت محفوظ بماند. این جا جای فداکاری بود که روحانیت بایست وارد شود و لذا حتی در کمیته های انقلاب که سخت ترین کار آن موقع بود آقایان علما وارد شدند. کمیته چی شدند و اسلحه و...

**\* رابطه خیلی عمیقی بین شما و حضرت امام بوده و خودتان هم فرمودید چند بار به ویژه نامه ای که شما در مورد بنی صدر نوشتید در یک جاهایی می بینیم که لحن نامه ای که شما نوشته اید به حضرت امام، لحنی است که از آرامش کمی فاصله می گیرد و کمی تند می شد. توضیحی بفرمایید.**

مسئله بنی صدر و ریاست جمهوری از مواردی بود که بین مجموعه روحانیون حزب جمهوری اختلاف نظر پیش آمد. آقای بنی صدر از همزمان ما در خارج بودند و ما هم در داخل بودیم وقتی هم که آمدند نهضت آزادی مخالف بود که ایشان بیاید در شورای انقلاب ما او را آوردیم و به امام معرفی

کردیم آنها خودشان جبهه ملی و نهضت آزادی با هم تعارض داشتند. مدتی که با ایشان کار کردیم به این نتیجه رسیدیم که ایشان مناسب نیست علی رغم دوستی و همکاری که داشتیم ما پیشنهادمان آقای دکتر بهشتی بود که ایشان برای انتخابات نامزد شوند. امام موافقت نکردند، فرمودند روحانی نباید. برای همین ما اختلاف نظر داشتیم.

یک بار من با آیت الله خامنه ای با هم از تهران به قم رفتیم خدمت امام. آن موقع امام در قم بودند. آن منزل بیرونی و اندرونی داشت که وسط آن هم یک راهرو بود. ما شب رسیدیم. امام گفتند که شب ملاقات نمی شود. ما رفتیم و گفتیم که ما حتماً باید امام را ببینیم. با اصرار من ایشان نیامدند تو بیرونی می دانستند ما چه کار داریم. آمدند تو همین راهرو وسط نشستند و ما رفتیم خدمت ایشان. خب استدلال های ما را ایشان نپذیرفتند. فرمودند نه، من موافق نیستم. هیچ وقت چرای آن را هم از ایشان نپرسیدیم. ما در حقیقت شکست خوردیم. آقای جلال الدین فارسی را هم که گفتند افغانی اسست و نتوانست بیاید. من مسوولیت وزارت کشور را داشتم و گفتم که من نظرم در مورد آقای فارسی غیر از این است؛ ولی چون امام می فرمایند، ما تسلیم هستیم.

پنج نفری مان رفتیم قم؛ بالاخره تلاش کنیم که کار منحصر نشود که کار دست بنی صدر بیفتد. جلسه عجیبی است آن جلسه. آنها وقتی که فهمیدند ما می آییم رفتند خانه آقای اشراقی. ما رسیدیم گفتند که ایشان نیستند. گفتیم که ایشان هر کجا که هستند، ما می رویم همان جا. رفتیم آنجا و رفتیم بالا نشستیم؛ گفتند که ایشان الان خسته اند. نمی آیند بالا. دیگر گستاخی های من شروع می شود؛ از آنجایی که من با امام خیلی صریح بودم، گفتم که بگویند اگر ایشان نیایند، ما می آییم پایین، بگویند خانم ها نباشند، ما می خواهیم بیایم پایین.

روابط من با امام به گونه ای بود که نگرانی نداشتم که امام از من برنجند. احمد آقا رفتند گفتند و امام آمدند بالا. وقتی آمدند قیافه خیلی جدی و رسمی گرفته بودند که حرف ما را قبول نکنند. من صریح با ایشان حرف زدم. گفتیم به هر حال ما ۱۸ - ۱۷ سال مبارزه کردیم و شرایط را شاید بهتر از شما بدانیم. و حالا هم آنچه که ما بیرون می بینیم با آنچه که به شما گزارش می دهند فرق می کند.

ایشان یک نگاهی به من کردند، فرمودند میدانی با کی داری حرف می زنی؟! وقتی که ایشان این را فرمودند، من بغضم ترکیب و با صدای بلند گریه کردم. حالت غیر مترقبه ای بود. ایشان بلند شدند، من هم بلند شدم. خیلی گرم مرا بوسیدند. گفتند من نمی دانستم تو گریه ای هستی. دوباره نشستند. من ادامه دادم من از اینکه شما حرف ما را قبول نکنید، ناراحت نشدم، بلکه از این ناراحت شدم که ما شما را از وقتی که می شناختیم، شما قاطع آید. و قاطعیت شما هم به نفع نظام ملی و برای من خیلی غیر مترقبه بود و ناراحت شدم.

بعد ایشان قدری ملاطفت کردند. بالاخره پنج نفری هم نتیجه نگرفتیم. بعداً احمد آقا به من گفتند که آن شب برای ما خیلی سخت گذشت. به هر حال ایشان تصمیم گرفتند. ما هم پذیرفتیم و انتخابات آن جوری برگزار شد و به آنجا رسید که می دانید و در این چند ماه که بنی صدر رئیس جمهور بود، آن قدر سسند به وجود آمد، ولی امام نمی خواست رئیس جمهوری که با اکثریت رای آورد، نتواند کارش را تمام کند. دو تا نامه است. یک نامه را ما پنج نفری نوشتیم؛ آن مربوط می شود به آن زمانی که امام در بیمارستان قلب بودند و قضیه بنی صدر و تنفیذ و اینها آنجا انجام شد. البته نامه را من نوشتم خط من هم هست ولی هر پنج نفر امضا کردیم به من دادند گفتند تو بده به امام. رفتیم بیمارستان خدمت امام تا نامه را بدیم وقتی امام را دیدم گفتم که حالا ما بیاییم در این شرایط به ایشان نامه اعتراضی هم بدهیم مصلحت نیست. و نادام بیرون که آمدیم آقایان به من اعتراض کردند دیگر قضایا تمام شد و... یک سال تقریباً گذشت مسائل همان در و همان پاشنه بود که من این بار دیگر پشیمان شدم که چرا آن نامه را ندادم. یک نامه دیگر خودم نوشتم. دو تا را با هم رفتم دادم خدمت امام. ایشان هم محبت کردند. به نظرم خیلی مؤثر بود.



## دردهای علی تنهایی علی!



### دکتر علی شریعتی

رنج بزرگ یک انسان این است که عظمت او، شخصیت او، در قالب فکرهای کوتاه و در برابر نگاه های پست و پلید و احساس او در روح های بسیار آلوده و اندک و تنگ قرار گیرد.

چنین روحی در چنان حالی همیشه هراسناک است که نگاه ها این فهم ها و این روح ها را ببینند، بفهمند و بشناسند!

روزها شیر نمی نالد!

در برابر نگاه رویاهان، در برابر نگاه گرگ ها و در برابر نگاه جانوران شیر نمی نالد! سکوت و وقار و عظمت خویش را بر سر شکنجه آمیز ترین دردها حفظ می کند.

اما تنها در شب هاست که شیر می گیرد...

نیمه شب به طرف نخلستان می رود، آنجا هیچکس نیست، مردم راحت آریده اند، هیچ دردی آنها را در شب بیدار نگاه نداشته است...

و این مرد تنها! که در روی زمین خودش را تنها می یابد، با این زمین و این آسمان بیگانه است، به نخلستان می رود و هراسان است که کسی او را در آن حال نبیند!

که شیر در شب می گیرد و در تنهایی!

و باز برای آن که ناله او به گوش هیچ فهم پلیدی و هیچ نگاه آلوده ای نرسد، سر در حلقوم چاه می کند و می گیرد...

این گریه از چیست؟

افسوس که گریه او یک معما برای همه است؛ زیرا حتی شیعیان او نمی دانند که علی چرا می گرید!

از این که خلافتش غصب شده؟!

از این که فدک از دست رفته؟!

از این که چه کسی روی کار آمده؟!

از این که او از مقامش...؟! از این که...؟! از...؟!

این حرفها نیست؛ یک روح تنها در دنیایی که با آن بیگانه است، در یک جامعه ای که دائما در آن زندگی می کند، اما در سطح درکی که یاران پیغمبر از اسلام داشته اند، توانسته خودش را منطبق کند، تنها مانده است و می نالد...



... از این دردناک تر این که، علی در میان پیروان عاشقش نیز تنهاست! در میان امتش که همه عشق و احساس و همه فرهنگ و تاریخش را به علی سپرده است، تنهاست!

او را همچون یک قهرمان بزرگ، یک معبود و یک الهه می پرستند، اما نمی شناسندش و نمی دانند که کیست؟ دردش چیست؟ حرفش چیست؟ رنجش چیست؟ و سکوتش چراست؟ این است که علی در اوج ستایش هایی که از او می شود، مجهول مانده است!

درد علی دو گونه است: یک درد، دردی است که از زخم شمشیر ابن ملجم در فرق سرش احساس می کند و درد دیگر دردی است که او را تنها در نیمه شب های خاموش به دل نخلستان های اطراف مدینه کشانده و به ناله در آورده است.

ما تنها بر دردی می گریم که از شمشیر ابن ملجم در فرقش احساس می کند ...

اما این درد علی نیست!

دردی که چنان روح بزرگی را به ناله در آورده است ...

تنهایی است...

که ما آن را نمی شناسیم!

باید این درد را بشناسیم، نه آن درد را ...

که علی درد شمشیر را احساس نمی کند

و ما درد علی را احساس نمی کنیم...

مسیر لقای الهی رفتنی است و اگر نرویم، ما را می برند، اگر جمال خدا را نبینیم، جلال او را به ما ارائه می دهند، پس چه بهتر که با قلب خالص این راه را طی کنیم.

امام عارفان، علی بن ابی طالب(ع) که در دعای کمیل خدا را «غایه آمال العارفین» معرفی می کند، چگونه رفتن و چگونه سعید شهید شدن را به سالکان کوی حق آموخته، سیاست و حماسه را به هم آمیخته و به مالک اشتر یادآوری می کند که: من راغب لقای پروردگار هستم، لذا از شهادت نمی ترسم، تو نیز راغب لقایش باش تا از شهادت ترسی. سرانجام، در سحرگاه نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجری، با فریاد «فَتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ» این آرزو به وصال مبدل گشت و آن ادعاهای تصدیق شد و جهانیان فهمیدند که عاشق شهادت و منتظر و شایق آن چگونه معشوق خود را در آغوش می کشد.

خوف و رجا یا ترس و امید در همه انسانها وجود دارد، ولی موحد هر یک از امید و خوفش را بر اساس توحید تنظیم می کند. علی(ع) فرمود: «إِن اسْتَطَعْتُمْ أَنْ يَشْتَدَّ خَوْفُكُمْ مِنْ اللَّهِ وَأَنْ يَخْسَنَ ظَنُّكُمْ بِهِ فَاجْمَعُوا بَيْنَهُمَا فَإِنَّ الْعَبْدَ إِنَّمَا يَكُونُ حَسَنَ ظَنٍّ بَرَّهَ عَلَى

## شهید ماه رمضان



قدر خَوْفِهِ مِنْ رَبِّهِ وَإِنْ أَحْسَنَ النَّاسُ ظَنًّا بِاللَّهِ أَشَدَّهُمْ خَوْفًا لِلَّهِ؛ اگر می توانید شدید از خدا ترسید و نیز گمان نیک به خدا داشته باشید، میان این دو خصلت جمع کنید. کسی به خداوند علاقه مند است که

به اندازه علاقه اش به خدا از او ترسد و خوف و رجای او تعدیل شده باشد. آن کس که امیدش به خدا زیاد و ترسش از خدا هم زیاد است، فقط از خدا می ترسد و از چیز دیگری هراس ندارد، چنان که به کسی جز خدا امید ندارد. چنین کسی برای حفظ دین تلاش می کند. اما آن کس که در این راه تلاش نمی کند، سعی او این است که کار خود را که سکوت و بی اعتنائی است، توجیه کند، در حالی که ریشه اصلی خمود و جمود او این است که در ترس موحد نیست.

اهمیت این مسئله به حدی است که در برداشت مفسران از آیات الهی تأثیر گذاشته و هر کس با طرز فکر خاص خودش از قرآن برداشت می کند. مثلاً قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» ای مؤمنان، به فکر تهذیب و اصلاح خویش باشید. اگر شما اهل هدایت باشید، گمراهی کسانی که گمراه شدند، به شما آسیبی نمی رساند و مایه ضلالتان نمی شود. مفسرانی که در ترس، موحد هستند، از این آیه مبارکه بهره توحیدی می برند و می گویند: اولاً آیه درصدد توصیه مؤمنان به

خودسازی، تهذیب نفس و تزکیه روح است که در اندیشه خویشین باشید: «عليكم أنفسكم»، ثانیاً اطمینان داشته باشید که اگر هدایت شدید و راه صواب را پیدا و تعقیب کردید، ضلالت و گمراهی گمراهان آسیبی به شما نمی رساند: «لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»، ثالثاً کمال هدایت در این است که انسان به همه تکالیف خود عمل کند و از انجام واجبات و ترک محرمات تخطی و سرپیچی نکند و اگر در عمل به تکلیف خود کوتاهی کرد، به همان نسبت

از کمال هدایت محروم می گردد. رابعاً به شهادت بسیاری از آیات و روایات، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم، بلکه از واجب ترین واجبات است که باعث احیا و برپایی احکام الهی می گردد. بنابراین اگر کسی در انجام امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی کند، به همان مقدار هدایت و رهایی او نقص دارد و به هر

مقدار که هدایت کسی ناقص باشد، گرفتار ضلالت می شود؛ چون هدایت و ضلالت در مقابل یکدیگرند.

نتیجه آنکه انسان صالح در حالی که به فکر خودسازی، کمال جویی و تعالی طلبی خویش است، تکلیف خود در امر به معروف و نهی از منکر را نیز ادا می کند و ضلالت و گمراهی دیگران

نه او را به خود مشغول می کند که از خودسازی بازماند، و نه وی را وحشت زده می گرداند که از امر به معروف و نهی از منکر غافل گردد. در مقابل، کسانی که در ترس و ثنوی هستند؛ یعنی

هم از خدا می ترسند و هم از خلق خدا برداشت دیگری دارند،

می گویند: هر کسی باید کار خودش را انجام دهد و کاری به دیگران نداشته باشد و با استناد به این آیه، امر به معروف، نهی از منکر و دفاع از دین را به زمان ظهور حضرت ولی عصر(ارواحنا فداه) سپرده و می گویند: وقتی آن حضرت ظهور کرد، امر به معروف و نهی از منکر اجرا می شود، یا اینکه می گویند: هر کسی را در گور خودش می گذارند، یا اینکه هر صاحب



آیت الله العظمی جواد آملی

دین و ملتی به دین خود به سمری برد و بر اساس همان دین و ملت محشور می گردد و امثال این تعبیرات.

البته این گفته ها و تعبیرات مغالطه هایی بیش نیست، مگر شبهه ای وجود دارد در اینکه امر به معروف، نهی از منکر، دفاع و جهاد جزو دستورهای قطعی قرآن کریم است؟ و مگر بدون اجرای این دستورها کسی هدایت می شود تا ما بگوییم وقتی کسی هدایت شد، ضلالت ضالین، بر چند به سبب ترک امر به معروف و نهی

از منکر و ترک جهاد باشد، به او آسیبی نمی رساند؟ شکی نیست در اینکه اگر کسی امر به معروف، نهی از منکر، دفاع، جهاد و قتال نکرد و قیام به قسط و عدل ننمود، هدایت نشده است و چون هدایت نشده، خودش در صف ضالین است.

حضرت علی(ع) در بخش دیگری از سخنان حکیمانه خود، اوصاف مردان باتقوا را که از فضیلت جمع بین خوف و رجا

برخوردارند، بیان کرده و می فرماید: «لَا يَرْوَنَ مَرْجُوا فَوْقَ مَا يَرْجُونَ وَلَا مَخُوفَا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ» آنها فقط به خدا امید دارند و هیچ نقطه

امیدی غیر از خدا ندارند، از خدا می ترسند و هیچ عامل هراسی غیر از خدا آنها را نمی ترساند. در کلامی دیگر درباره فرشتگان می فرماید:

ملائکه نیز بین خوف و رجاء به سر می برند، آنها گرچه سوابق نیک فراوانی دارند، لیکن هرگز سوابق نیک خود را بزرگ نمی شمارند؛

زیرا اگر چنین کنند و اعمال خیر خود را بزرگ بشمارند، امیدشان زیادتیر می شود، وقتی کفه امید سنگین شد، کفه ترس سبک می شود

و دیگر آن نصاب ترسی را که بایستی از خدا داشته باشند، نخواهند داشت و این سبب سقوط آنها می گردد؛ «لَمْ يَسْتَعْظَمُوا مَاضِي مَنْ أَعْمَالَهُمْ وَلَوْ اسْتَعْظَمُوا ذَلِكَ لَنُحِجَّ الرَّجَاءَ مِنْهُمْ شَفَقَاتِ وَحَلْهَمَ» .

معلوم می شود مخلوق از آن جهت که مخلوق است، باید به همان اندازه که به خدا امیدوار است، به همان اندازه هم از او بترسد.

خوف و رجا در همگان یکسان نیست، بلکه به درجه وجودی افراد بستگی دارد. کسی که در حد تجرد برزخی(وهم و خیال)

بدون هدایت و تعدیل عقل متوقف می گردد، خوف و رجای او نیز وهمی و خیالی است، ولی اگر به تجرد عقلی راه پیدا کند،

علاوه بر آنکه هراس و امید وهمی و خیالی هدایت شده و تعدیل شده را داراست، از ترس و امید عقلانی نیز که مناسب مقام ربوبی

است، برخوردار می گردد.

مرتبه نازله خوف را که بازگشت آن به حب نفس و ناشی از شناخت متوسط باری تعالی است، «خوف نفسی» می گویند؛ نظیر

ترس از جهنم، شکنجه بدنی، آتش، صاعقه، سیل، حیوان گزنده یا درنده و امثال آن. اما مرحله عالی خوف، که «خوف عقلی» نامیده

می شود، عبارت است از حرمت قائل شدن برای مقام نامحدود خدای سبحان و اولیای الهی، که مظاهر اسمای حسنی و صفات علوی حق هستند و حرم گرفتن از آن. این مرحله از خوف که کمال برتر

است، محصول شناخت عظمت حق و جمال و جلال خداوند، به مقدار میسر بوده و مانع از هرگونه گرایش به غیر خداست، از

این رو، به عنوان سرمایه حکمت حقیقی معرفی شده است: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ».

نمونه بارز هراس عقلی، همان رُعبی است که انسان آگاه به مقام والای عصمت، هنگام تشرف به مشاهد مشرفه و ورود به حرم

معصومین(ع) در خود احساس می کند و در برابر جلال و شکوه ولی الله مطلق خود را حقیر و کوچک می بیند. این ترس که از محبت

سرچشمه می گیرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ» «اللهم و مناسب با «محبت» است، نه از روی «خصوصت»،

آنطور که انسان از دشمن خود هراسناک است.

قرآن کریم فرشتگان را نیز که از گناه معصومند، برخوردار از نعمت خوف عقلی معرفی کرده و تسبیح گفتن و امتثال کردن اوامر

پروردگار را در گرو هراس عقلی آنان از خدای سبحان می داند: «يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَأْتُكَ مِنْ خِفَّتِهِ»، «يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» . انبیا و اولیای معصوم الهی که معلم ملائکه

هستند، خوف عقلی از خدای سبحان دارند و از پاداش عظیمی که برای خائفان در نظر گرفته شده، برخوردارند: «وَلَمْ يَخَفْ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ»، «أَمَّا مِنْ خِيفَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» .

بر این اساس، وقتی خدای تعالی با اوساط از سالکان سخن می گوید، پرهیز از جهنم را مطرح می کند: «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ اما وقتی نردلان و راهبان مخصوص کوی لقا را مخاطب قرار می دهد، از رهبت ناب و موحدانه نسبت به خود

سخن می گوید: «إِنِّي أَفْهِيُونَ» .

می گوید، پرهیز از جهنم را مطرح می کند: «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ اما وقتی نردلان و راهبان مخصوص کوی لقا را مخاطب قرار می دهد، از رهبت ناب و موحدانه نسبت به خود

سخن می گوید: «إِنِّي أَفْهِيُونَ» .



که در مسیر کمال قرار گرفته است، امتیاز «بایستی» نیست؛ زیرا که چنان «هست». اما سخن علی علیه السلام به قدر فهم بود:

آنچه می گویم به قدر فهم توست

مردم اندر حسرت فهم درست

این جملات را برای چه کسی بیان فرمود؟ جز عده‌ای معدود و انگشت شمار مانند مالک اشتر، ابوذر غفاری، حجر بن عدی، رشید حجری، عمار بن یاسر و چه بسا اوئیس قرنی؟ شاید جامعه‌ای که ما می‌شناسیم تحمل «ما شککت فی الحق مذأرته...» را نداشت. جامعه‌شناسی آن دوران، برای ما توضیح می‌دهد که این جملات برای آنها قابل هضم بوده یا نبوده است.

من گمان نمی‌کنم این حرف‌ها برای به جز آن عده انسان‌های انگشت‌شمار، برای دیگران قابل فهم بوده باشند. آنها هم که مدت زیادی با زندگی حضرت علی علیه السلام در تماس بودند، مدت محدودی بوده‌است. پس آنچه از رسالت خود در دل داشته، ناگفته مانده و نتوانسته است ابراز کند. همه آنچه را که مابین خود و خدایش و مابین خود و خودش داشته، کسی نشنیده است. مطلب علی علیه السلام باید بسیار بیش از این باشد که در این صد جمله یا دویست یا صد و بیست جمله در نهج البلاغه دیده می‌شود.

#### اصل سوم

جمله‌ای را به عنوان اصل سوم درباره شناخت نهج البلاغه اضافه کنم. وقتی علی علیه السلام می‌گوید: «تکلیفی که من انجام می‌دهم، مافوق سوداگری‌ها و مافوق ترس از کفرهاست»، باید آن اصل اول پذیرفته بشود که در درون این مرد بیگانه از جملات شاید کاشف آن باشد که: «علی میزان الاعمال و موسوس فی ذات‌الله تهره فی ذات‌الله».

این کلمه، کلمه‌ای است که در درون این شخص حقیقی به وجود آمده؛ چنان که قابل میعان و انعطاف انگیزه‌های زودگذر نبوده است. «انا اريدکم لله و اتمم تریدونی لأففسکم»؛ علی علیه السلام می‌فرماید: من شما را برای او(خدا) می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید.

شما از من، مقام و ثروت می‌خواهید. شما بردگان قدرت، از من قدرت می‌خواهید. من چه می‌گویم و شما چه می‌گویید. من در شما چه می‌بینم و شما در من چه می‌بینید. مرا مانند سایر جباران روزگار خیال کرده‌اید. به من می‌گویید دورت را می‌گیرم، به شرط این که به ما مقام بدهی، به ما زمین و ثروت بدهی؛ در حالی که من شما را برای خدا می‌خواهم. خواسته من و هدف شما متفاوت و متضادند. این بالا نمی‌آید و نمی‌خواهد بیاید بالا و آن هم نمی‌تواند پایین بیاید.

#### چند جمله از نهج البلاغه

من این سه اصل را به طور خلاصه عرض کردم. حال چند جمله از نهج البلاغه درباره امام علیه السلام نقل می‌کنم. این جملات چنان هستند که ما آنها را قانون تلقی می‌کنیم، نه به عنوان بیان خصوصیات شخصی یک روح و یک روان، بدین دلیل که وقتی آنها را درست تحلیل می‌کنیم، به صورت یک قانون در می‌آید: «اما و الذی فلق الحبه و برء النسمه...».

من قانون کلی را بیان می‌کنم که این قانون بیان دردها و درمان‌های بشری است: سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و ارواح انسان‌ها را آفرید، اگر عده‌ای آماده نبودند برای کمک، و این که خدا از دانایان و خردمندان و از علما تعهد نگرفته بود که نشینند و قبول نکنند پرخوری ستمکاران و گرسنگی مظلومان را، من افسار شتر این زمامداری را بر گردنش می‌انداختم و آخرش را با همان پیاله‌ای سیراب می‌کردم که اولش را.

اجازه بدهید توضیح دهم که این جمله چطور به صورت قانون در می‌آید. وقتی که دقت کنید حیات معقول یک انسان نمی‌تواند این طور طرح بشود که من بی‌اعتنا به انسان‌های تشنه جامعه‌ام از نظر معرفت، اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق را هم را گرفته باشم و در راه عرفان به سوی بالا بروم و در راه حیات معقول حرکت کنم و کاری هم با دیگری نداشته باشم، این هرگز امکان‌پذیر نیست. این کدام قانون است؟ امکان ندارد. نه، همگی هم‌ره و هم قافله و هم‌زادند و در یک وحدت عالی که مربوط به روح انسان‌هاست شرکت دارند.

شما چطور می‌توانید بروید و دیگران مانده باشند؟ اما چرا می‌فرماید: «حضور الحاضر»؛ یعنی الان احساس قدرت و توانایی می‌کنم که با این انسان‌ها در حرکتیم؛ من باید حرکت کنم و دردهای آنها را تسلی بدهم. این یک قانون کلی برای حیات انسان‌هاست. مگر کسی نخواهد که از حیات طبیعی محض به حیات معقول منتقل شود. بله در حیات طبیعی محض صحیح است که: «من»، «من»، «من». حیات طبیعی منطقی همین است، اما حیات معقول این منطق را نمی‌فهمد. حیات معقول این منطق را ضد انسانی می‌داند، ضد منطق واقعی می‌داند، می‌گوید احساس قدرت کردم، برخاستم و باید قدمی در راه اصلاح جامعه‌ام بردارم. آنچه گفته شد به عنوان نمونه عرض کردم و نهج البلاغه دریایی است که از این گوهرها فراوان دارد.

واقعیتی را مطرح کنند که آن واقعیت، هم بتواند «آنچنان که هستندشان» را بگوید و هم «آنچنان که بایستشان» را توضیح بدهد؛ اینها در سطح خیلی بالایی هستند و علی علیه السلام در بالاترین نقطه آن سطح است. بیان فرزند ابیطالب درباره «من» چنان است که گویی یک موجود عینی معین را با تمام اشرف و مالکیت بیان می‌کند، نه یک پدیده و نمود زودگذر روانی را.

چه بسا به نظر آید، یعنی چه که یک انسان بگوید: «ما شککت فی الحق مذأرته»؛ من از وقتی که حق بر من ارائه شده است، در آن تردیدی نکرده‌ام. این جمله عظمتی دارد، به عظمت جهان

## ابعاد شخصیت علی(ع)

علامه محمدتقی جعفری



هستی! شک نکرده‌ام! خواهید فرمود خیلی‌ها با یقین و قطع از دنیا می‌روند، عمرشان در یقین و دگم غوطه‌ور است. بله غوطه‌ور است در یقین‌های ابتدایی و یقین‌های عبور نکرده از پله‌ها و فراز و نشیب تردیدها و شک‌ها. اما کیست که هشیار باشد بر هستی و بر خود بتواند بگوید: من اصلاً شک نکرده‌ام.

بنده استدعا دارم بعد از ورق زدن اوراق تاریخ فکری دانشمندان شرق و غرب در این جمله دقت بفرمایید- نه در گوشه‌ای از خانه که نهج البلاغه‌ای را باز کرده‌اید- حقیقت این سخن را به این آسانی نمی‌توان یافت، بلکه اول باید با دقت تمام مطالعه شود که در افکار بشری چه گذشته است و کیست آن که از توفان شک و تردید در امان باشد و این که فرزند ابیطالب علیه السلام با صراحت می‌گوید: «ما شککت فی الحق مذأرته...»؛ چه ادعایی است.

#### اصل دوم

مگر ما نباید از «من» گفتن احتراز کنیم؟ مگر «من» گفتن دلیل خامی نیست؟ بلی، درست است. اما اینجا اصل دیگری مطرح است. فهرست آن اصل این است: امروز احتمال می‌دهید در کره خاکی ما یک نفر بگوید که مردم، من کار بزرگی کرده‌ام و امتیازی به دست آورده‌ام و نفس کشیده‌ام؟ نفس کشیدن لازمه زیست آدمی است. زندگی آدمی و جاندار، بر پایه تنفس از هواست. انسان رشد یافته و انسانی که رو به بالا قرار گرفته است، تنفسش «ما شککت فی الحق مذأرته» است، و برای او این سخن بیان تنفس است.

امروز ما اینجا نشسته‌ایم. ما از روشنائی بهره می‌بریم و گفتن این حقیقت به خود بالیدن و امتیازگویی نیست. این مباهات و فخر فروشی نیست. چنین سخنی برای استعدادی که در تکاپوی کمال قرار گرفته است، گراف‌گویی نیست. این که فرمود: «انی لعلسی جادة الحق»؛ من بر جاده حق حرکت می‌کنم. «یعنی نفس می‌کشم، یعنی چون هوا بسیار سرد است، من لباس ضخیم پوشیده‌ام، من تشنه بودم، آب آشامیدم. بیان آشامیدن آب، بیان امتیازی خارج از موجودیت نیست؛ زیرا که این همان موجودیتی است که هست.

به همین جهت اگر این بیان‌کننده اسرار وجود، تمام عظمت‌های هستی را بیان می‌فرمود، درباره او تردیدی نداشتیم؛ زیرا تنفس در مسیر کمال همین است، ابراز واقعیت است. «ما لیست علی نفسی...» بیان یک واقعیت و حقیقت است. این اصل دوم که عرض کردم، اولاد آدم را از دو بیماری سرنگون کننده می‌تواند نجات بدهد: بیماری خود بزرگ‌بینی و بیماری خود کوچک‌بینی و احساس حقارت. وقتی من این قله مرتفع را رفته‌ام، و من چنانم که رفتن به این قله مرتفع بر من اضافی نیست. آنچه که دیروز برای یک انسان در نقطه «الف» امتیاز اضافی جلوه می‌کرد، امروز

تا به حال ابعاد گوناگون شخصیت علی بن ابیطالب علیه السلام از دیدگاه و بیانات خود آن حضرت به طور مستقل مورد بحث قرار نگرفته است؛ هر چند که این مسئله بسیار مهم و فوق‌العاده آموزنده است.

امام علیه السلام در نهج البلاغه، بیش از صد مورد درباره خود سخنانی ابراز فرموده است که آن سخنان را این جانب جمع کرده‌ام. اما این کار برای چه بوده و در آن، چه مقصودی داشته‌ام؟ می‌خواستم نشان دهم انسانی که در مسیر کمال قرار می‌گیرد، گفتارش مانند کردارش، وقتی از مشخصات و خصوصیات

محیطی، عوامل شخصی و اجتماعی آن تجرید شود، به صورت قانون درمی‌آید. بدین معنی که اگر علی علیه السلام در این کتاب بزرگ، جمله‌ای را درباره خود بیان فرموده است، در حقیقت با این سخن نمی‌خواهد وصفی شخصی را بیان کند. چنان که فرزند نازنین علی علیه السلام با قیام تاریخ‌ساز خود نخواسته است که یک کار یا حادثه و رویداد شخصی را بیان کند، بلکه مقصود آن بوده است که بگوید: مسیر کمال چنین است و قانونش چنین. یکی از بزرگان می‌گوید: چنان زندگی کن که اگر گفتار و کردار و حتی تموجات اندیشه‌ات تجسم عینی پیدا کند و خصوصیات آن جسم را از آن کسر کنند، به صورت قانون کلی درآید.

ما در جملات علی علیه السلام قوانین انسانی را می‌خوانیم. هنگامی که می‌گوید: «ما لیست علی نفسی و لالیس علی»؛ یعنی قانون این است که اگر کسی می‌خواهد در مسیر حیات معقولش- نه حیات طبیعی محض- فریب نخورد، باید اول خود را فریب ندهد. این قانون کلی است و کلیت دارد. منتهی در «ما لیست»، «انا» ضمیر شخصی است؛ یعنی من این کار را نکرده‌ام و این «نکرده‌ام» و این اختیار را می‌توان مبدل به انشاء کرد و گفت: ای انسان در گذرگاه قرون و اعصار، اگر می‌خواهی از حیات طبیعی محض گام به حیات معقول بگذاری، نکند خود را بفریبی و به دیگران اجازه دهی که به منطقه ممنوع ورود جان تو وارد شوند و تو را بفریبند. این قانون است، این بیان یک حال روانی شخصی نیست.

پیش از این که نمونه‌ای از این جملات را که علی علیه السلام درباره خود بیان فرموده بیاوریم، چند اصل بسیار مهم را باید مطرح کنیم:

#### اصل یکم

«من چنینم» جمله‌ای است بسیار دشوار، چنان که «من هستم» گفتنش دشوار است. اما «من چنینم» دشوارتر است، خیلی تجرید می‌خواهد؛ خیلی رشد می‌خواهد که بگوید «من این هستم». بر نهادن خویش‌ستن رویاروی خود، بدون تأثر از تمایلات و بدون تأثر از هواها و تموجات خود طبیعی، کاری است دشوار. آنان که توانسته‌اند خود بر انسان‌شناسی قاموس بشری چیزی بیفزایند، کسانی هستند که واقعا توانسته‌اند خود را بر نهادند.

برای شناخت اراده واقعی، یک بر نهادن فوق العاده عالی مورد نیاز است، و الا از رفتارشناسی و از نموده‌های عینی رفتار آدمیان چه کار می‌آید که بتواند حقیقت اراده، انگیزه‌ها و علل و این بار الکتریکی بسیار دقیق و قوی را معنا کند. این کار، بر نهادن می‌خواهد، به تجرید والایی احتیاج دارد.

روان‌شناسی حرفه‌ای به ما چیزهای فراوانی می‌آموزد و ما حق آن را پاس می‌داریم، اما کسانی که توانسته‌اند برای انسان‌ها





در محاصره خود بگیرند و در اختیار خود قرار دهند. در عین حال تشکیلاتی بود، چرا که امام می‌دانست پیشرفت انقلاب با این همه تبعیدی‌ها و زندانی‌ها و خون دادن‌ها با تشکیلات همراه بود. مرحوم آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، به جرأت می‌توانم بگویم که مغز تشکیلات انقلاب بود. اگر از بنده که کمترین حضور را در انقلاب داشتم، پرسند که پیدایش تصویر امام در لوح انقلاب از کجا آغاز شد؟ من به نگاه تشکیلاتی و مدیریتی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی چشم می‌دوزم. برای اینکه ایشان به خوبی امام را می‌شناخت و درک کرده بود. البته دیگرانی هم در کنار ایشان ایفای نقش داشتند. شخصیت‌های بزرگی مثل آیت‌الله منتظری را نمی‌توانیم در رابطه با کمیته استقبال و شکل‌گیری شخصیت امام نادیده بگیریم.

در واقع امام یک مؤلفه بود. یک فرد نبودند بلکه ساخته و پرداخته فکر جمعی بود. اما در این فکر جمعی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی یکی از موثرترین‌ها بود. اگر محوریت‌هاشمی در مسئله انقلاب نبود، شاید انقلاب را به این روشنی که الان در آینه تاریخ مشاهده می‌کنیم، نمی‌توانستیم ببینیم. در آن موقع، رهبری فعلی انقلاب در مشهد بودند. در واقع تمرکز فعالیت ایشان در آنجا بود و من از نزدیک با ایشان در تماس بودم. افراد متعددی در آن زمان در مشهد بودند که محوریت انقلاب را هدایت می‌کردند و آنها دائما در تماس و هماهنگ با تهران بودند.

کمیته استقبال در واقع مقدمه‌ای برای گزینش اعضای شورای انقلاب شد. این اعضا از همان کمیته برگزیده شدند و حتی مسئولان دیگر در رده‌های مختلف مدیون کمیته استقبال بودند. کمیته استقبال یک هسته مرکزی بود که به مدرسه رفاه کشیده شد. البته در همان اوایل عده‌ای اختلافاتی انداختند و منبت‌ها را پیش کشیدند و نگاه منسجم امام را تا حدودی صدمه زدند و در پی حزب و باندا بازی



در محضر حجت الاسلام دکتر اکبر حمیدزاده، از اعضای کمیته استقبال از امام خمینی

## همه ما به امام و بیت امام بدهکاریم

**اشاره:** حجت الاسلام اکبر حمیدزاده از شاگردان مکتب حضرت امام(ره)، مبارز انقلابی، عضو فعال و مؤثر در کمیته استقبال امام و سخنران پیش از سخنرانی بنیانگذار انقلاب اسلامی در روز ۱۲ بهمن ۵۷ است. وی در زمان مبارزات انقلابی ۲۷ ساله بود. در طول این سال‌ها به ۵ سال زندان محکوم و پس از چند ماه به شهر نقده تبعید شد.

حمیدزاده پس از فضای باز سیاسی که جیمی کارتر اعلام کرد، همراه با حدود ۶۴ نفر زندانی سیاسی در بند رژیم پهلوی، مانند آیت‌الله انواری و مرحوم عسگر اولادی آزاد شد. حمیدزاده همان شخصی است که در روز راهپیمایی تاسوعا و عاشورای ۵۷ در بالای اتوبوس، جمعیت میلیونی را از منزل مرحوم آیت‌الله طالقانی به سمت میدان آزادی هدایت می‌کند و قطعنامه می‌خواند.

او درباره خاطرات آن روز می‌گوید: «تا حضرت امام به جایگاه برسند، نیم ساعت سخنرانی کردم که متأسفانه خوردم ندارم. آیت‌الله مطهری و آیت‌الله صدوقی هم هر کدام یک ربع صحبت کردند. اما سخنان امام که تمام شد، من بلندگو را دست گرفته و از امام اجازه گرفتم و گفتم من می‌توانم دو سه جمله بگویم که خلق الله به عنوان قطعنامه از آن استفاده کنند؟ امام به من اجازه داد و من روی زانوهای خودم در کنار امام نشستم. هشت یا نه ماده تحت این عنوان که زندانیان سیاسی باید آزاد شوند، آزادی قلم و بیان باید تامین گردد، صدور نفت به اسرائیل غاصب باید قطع شود و... را بیان کردم و آن جمعیت برای هر کدام «صحیح است» می‌گفتند.»

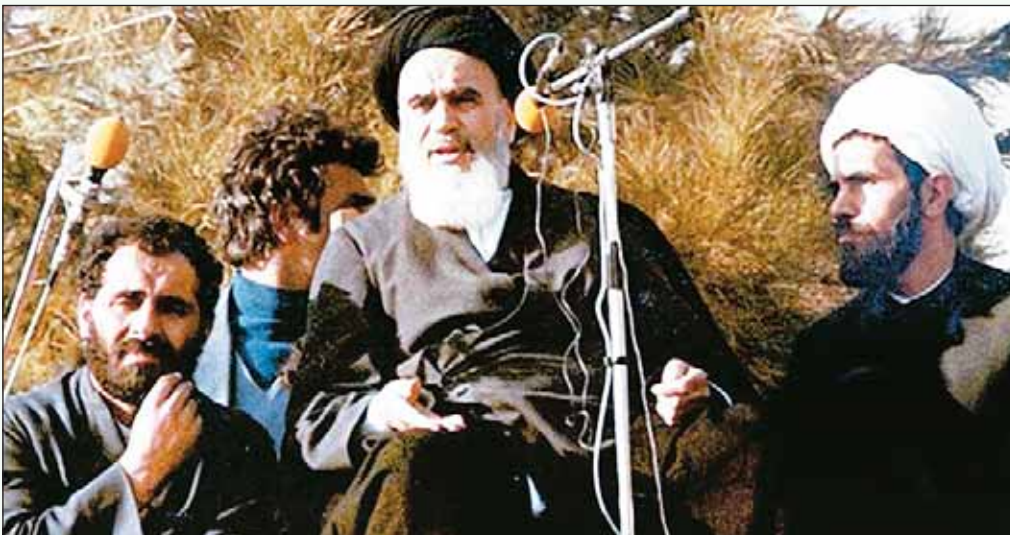
این مرد انقلابی اکنون که این متن منتشر می‌شود، دار فانی را وداع گفته و به لقاءالله پیوسته است. روحش شاد و یادش گرامی.

\*\*\*

آمدن امام به ایران در سال ۵۷ مطرح شد، گروه‌های مختلفی به سراغ انقلاب و استقبال از ایشان رفتند. در آن زمان، کمیته‌های مختلفی در ابعاد گوناگون وجود داشت. گروه‌هایی در ابعاد رسانه‌ای، نشر، انتشار اطلاعات و جمع آوری مجموعه اطلاعاتی که باید اطلاعات انقلابی را بیشتر بارور می‌کرد، فعال بودند و همچنین بخش‌هایی بود که در بین روحانیت و دانش‌گاہیان تشکیل شده بود. طبیعتاً در بین روحانیت، مرحوم استاد شهید آیت‌الله مطهری، محوریت این برنامه‌ها و فعالیت‌ها را بر عهده داشت. اگرچه آیت‌الله بهشتی و مرحوم آیت‌الله مفتاح و دیگران هم بودند، ولی واقعاً شخص بنده که از نزدیک و سالیان دور با استاد مطهری محصور بودم، به عنوان قطب اصلی و رکن رکن جریانات انقلاب و کمیته استقبال را در رابطه با آیت‌الله مطهری می‌دانم.

ایشان تفکر تشکیلاتی و علمی بسیار بالایی داشتند. ضمن اینکه مقبولیت ایشان را در گروه‌های انقلابی کسی نداشت. البته مرحوم آیت‌الله طالقانی و علمای بزرگوار دیگر هم حضور داشتند. برخی از جریانات سیاسی مانند نهضت آزادی، جبهه ملی و گروه‌های سیاسی دیگر هم سعی می‌کردند در کمیته استقبال باشند. اما به هر حال کمیته استقبال پدیده‌ای مشترک بود و ساخته ذهنیت متفکران بزرگوار آن روز که عملی شد.

در آن موقع دولت بختیار در تلاش بود که حضور و موجودیت



راه افتادند و امام همواره محوریت و رهبری انقلاب بود؛ ولی کمیته انقلاب بعد از آمدن امام هم تمام نشد.

در نتیجه کمیته استقبال کمیته زایش نیروهایی شد که بعدها در روند انقلاب به کار گرفته شدند و برخی توانستند خودشان را تطبیق دهند و برخی هم تمایلات چپ و راست پیدا کردند و در واقع از آن انسجام گسیختند. در مجموع کمیته استقبال با شکوه بود. آن روزها یک فرمایشی آیت‌الله‌هاشمی دارد که برخی‌ها بدهکار انقلاب بودند و آمدند و طلبکار انقلاب شدند و بسیاری از آقایان این گونه بودند. نه تنها جرات همراه بودن با امام را نداشتند و از تبعید و زندان فرار می‌کردند و حتی از نزدیک شدن به حرف و حدیث‌هایی که علیه رژیم بود، دوری می‌کردند، بلکه سعی می‌کردند در عافیت زندگی کنند. این عافیت طلب‌ها در همان کمیته استقبال خود را نشان دادند و امام همان‌ها را شناخت. بعد از انقلاب و الآن هم متأسفانه کسانی دم از انقلابی بودن و به روز بودن می‌زنند. انقلابی بودن به روز بودن نیست. انقلابی بودن یک فرهنگی است که اگر در درون جان کسی ریشه ندوانده باشد، انقلابی نمی‌تواند باشد.

لذا انقلابی‌های ریشه دار با امام همراه بودند و امروز هیچ طلبی از انقلاب ندارند و به همین دلیل متأسفانه مشاهده می‌کنیم همان بدهکاران آن روز انقلاب بر سر سفره انقلاب به همه چیز رسیدند. از سفرهای خارجی تا خوشی‌های دنیوی به دست آوردند و از برکت انقلاب همه چیز به دستشان آمده و هنوز خود را طلبکار انقلاب می‌دانند. در حالی که چنین نیست و همه ما به انقلاب و امام و بیت امام بدهکاریم. همان بدهکاران انقلاب به دنبال زدودن انقلاب و امام هستند در واقع حذف امام برایشان مطرح است. ما باید اصالت امام و بیت امام را احیاء کنیم. امام آنقدر حرف‌های شنیدنی دارد که هر کدام آن به روز جوابگوی مشکلات این کشور است.

امام را از عرصه انقلاب حذف کند و به همین دلیل تلاش می‌کرد تا شبه واتی‌کائی را در ذهنیت جامعه به تصویر کشد و حتی مطرح کرده بود که امام برای خودش دولتی تشکیل دهد، اما در نهایت دولت در دست ما(رژیم) خواهد بود. لذا کمیته استقبال در چنین فضایی در کنار دیگر کمیته‌ها نقش انقلابی خودش را ایفا می‌کرد. آنها می‌خواستند استقبال چشمگیری از امام داشته باشند. رهبری که سال‌ها از وطن دور بود و اکنون چون خورشیدی بود که از غرب طلوع می‌کرد.

کمیته استقبال به دنبال یک گستردگی بیشتر از آن چیزی بود که در فرودگاه اتفاق افتاد. در جریان انقلاب و مخصوصاً راهپیمایی عاشورا و تاسوعای ۵۷ و مجموعه گروه‌های انقلابی، به شکلی از اعتبار خودشان استفاده می‌کردند و اینها وقتی انقلاب را در آستانه پیروزی و قطعی می‌دیدند، نوعی عقب ماندگی بود که نتوانند در کمیته استقبال نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند.

به همین دلیل گروه‌های مختلف و جریانات آن روز تلاش می‌کردند در جریان کمیته استقبال باشند. اما متأسفانه از آن زمان سوء استفاده شروع شد. لذا ما به دنبال کمیته‌ای بودیم که امام احساس کند ملت چیز دیگری غیر از آن کمیته استقبال می‌خواهد. خیلی تلاش کردند، مخصوصاً گروه‌های چپ و نهضتی که حضور داشته باشند. اما ادامه این راه مساوی بود با کنار زدن اصل انقلاب و مطرح شدن جریاناتی که در حواشی انقلاب مطرح بودند و این البته گام اولی به حساب می‌آمد که در تحریف روند انقلاب بود. به هر حال تمامی گروه‌ها در فرودگاه حضور داشتند و سخنرانی هم کردند و حتی در مسجد دانشگاه تهران تحصن شد و این افراد سعی می‌کردند موجودیت شان را در انقلاب حفظ کنند.

باید متذکر شوم که حضرت امام، هم چهره تشکیلاتی و هم چهره غیر تشکیلاتی بود. ایشان از آنجایی چهره تشکیلاتی نبود که اسیر تشکیلات نمی‌شد و حتی در پاریس اطرافیان‌شان نتوانستند امام را



خرداد که می‌رسد نام روح خدا در ضمیر ما بیش از هر زمان دیگر نقش می‌بندد. از پانزده خرداد و آغاز حرکت انقلاب تا چهاردهم خرداد و عروج آن یگانه اعصار. بی‌شک نمی‌توان از کنار نام او گذشت و به احترام کلاه از سر بر نداشت. نمی‌توان نام او را شنید و زیر لب صلوات نفرستاد. بگذار نابخردان بر طبل جهالت خویش بکوبند؛ آیندگان این سرزمین چون گذشتگان نه تنها انقلاب را که از این پس ایران را با نام بلند او می‌شناسند. و امروز ماییم و وصیت‌های او، سخنان او که چراغ راه آینده ماست. پس بگذارید در این ایام، هر روز سخنی از سخنان او را

عقل‌گرای امام بخواهیم از اندیشه امام دفاع کنیم بیش از هر کار دیگر، بهتر است با عمل خود از مبنای ایشان دفاع کنیم. مدافعین جدایی دین از حکومت و سیاست اگر با حکومت دینی مقتدر و کارآمد مواجه شوند، براین فلسفی خویش را هم از دست می‌دهند. نویسنده این مقال واقف است که امروز به سبب تبلیغات دشمنان و البته برخی عملکردهای غلط، دفاع از کارآمدی نظام سخت شده است ولی منصفانه معتقد است مجموعه عملکرد حاکمیت دینی قابل قبول و قابل دفاع است. اما با کمال تواضع معتقدم که در این تبلیغات که در صد

مربوط به دوره ما نیست و عصر آن تمام شده است. حضرت امام هم به همین نکته توجه می‌دهند که: اسلام مربوط به دوره‌ای خاص نیست. چرا که اسلام توان هماهنگ شدن با تمدن‌ها را دارد و می‌تواند در عین پذیرش آنها، عیوب و اشتباهات آنها را بزدايد. در این باره باید موضوع سخن امام را در چند جریان جستجو کرد: گروه اول آنها که با اصل دینداری مخالفند و اینک بهانه‌ای یافته‌اند و با توجه به دست آوردهای مدرنیسم، مدعی سابق خود را تبلیغ می‌کنند. گروه دوم آنها که «ناشیانه» مرعوب تمدن غرب می‌شوند. و برای نیل به دست آوردهای دنیای مدرن، می‌خواهند از نوک پا تا فرق سر غربی شوند. این دسته با نگاه به پیشرفت علم غربی، خود را در مقابل فلسفه آن باخته‌اند. بخشی از این گروه مروج سکولاریسم هستند، این دسته البته با حضور دین در حوزه مسایل فردی مشکل ندارند ولی فعالیت دین - و نه دینداران - را در عرصه سیاست بر نمی‌تابند.

و گروه سوم متحجرین و قشری‌گرایانی هستند که نمی‌توانند بپذیرند دنیای جدید لوازم خاص خود را دارد. این گروه بدون توجه به حقیقت دین، سنتهای بومی خود را دین می‌پندارند و لذا با دنیای جدید سر ستیز دارند. یک روز دوش حمام را حرام می‌دانند و یک روز با بلندگو مخالفند و روز سوم نسبت به حقوق زنان حساس می‌شوند. و روز چهارم موسیقی را بر نمی‌تابند و روزهای بعد با هنر و فلسفه و وحدت شیعه و سنی در ستیزند. ناگفته پیداست که تفکر همین گروه سوم و جمود ایشان است که گروه اول را توانمند می‌سازد تا بتوانند گروه دوم را هم با خود همراه کنند.

بدیهی است علم جدید، دست آوردهای بسیاری دارد که امکان نفی آن وجود ندارد و سنت‌گرایان اگر جز این بگویند، بیشتر در یک حس نوستالژیک سیر می‌کنند. اما این پیشرفت‌ها نه تنها در تضاد با دینداری نیست بلکه اگر حقیقت دین به درستی درک شود، حتی نمی‌تواند دینداری را متزلزل کند. و همین جاست که متدینین واقعی وظیفه‌ای سنگین می‌یابند. از یک سو باید به جنگ جمود و تحجر بروند تا ثابت کنند دین توان حضور در عرصه‌های نو را دارد، تا ثابت کنند دین همانند یک «فرافرنگ» می‌تواند با «سنت‌های مختلف» در «روزگاران متفاوت» و در «پهنه‌های متغایر جغرافیایی» سازگار باشد، تا ثابت کنند با تغییر آنچه سنت ملی و یا بومی هر سرزمین است، ارزشهای دینی دستخوش تغییر نمی‌شود، و از دیگر سو باید با کسانی مواجه شوند که از اساس، دین داری را در عصر جدید تمام شده می‌دانند.

حضرت امام در این باره می‌فرمایند: «مثلاً در صدر اسلام به واسطه محدودیت کشور اسلامی، نیازمند به بانک و ثبت املاک و سرشماری و مانند این‌ها نبود و ساز و برگ ارتش در آن زمان با این زمان مخالف بوده و وزارت پست و تلگراف نبوده یا به این تشریفات نبوده، لکن قانون اسلام از آن اساساً جلوگیری نکرده، اکنون کارشناسان دینی که علمای اسلام‌اند، نظر کنند هریک از این تشکیلات که مخالف قوانین اسلامی نبود و کشور به آن نیازمند بود، در تشکیل آن موافقت کنند... و ایداً قانون اسلام با این‌گونه ترقیات مخالفت نکرده و قوانین اسلامی با هیچ یک از پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی مخالف نیست.» (کشف اسرار، ص ۲۹۵؛ ر. ک: صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۲۰-۴۲۲).

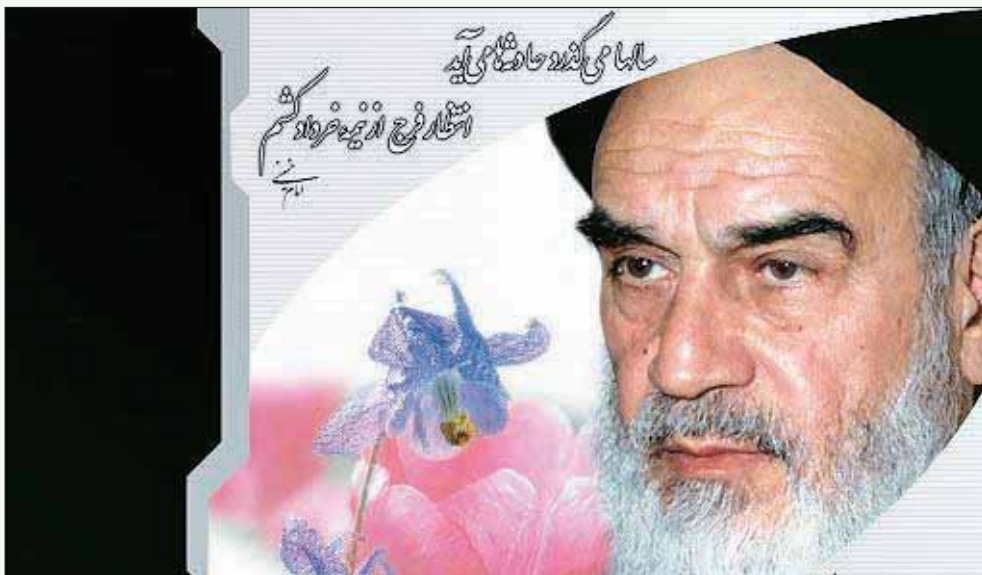
البته فراموش نکنیم سخن امام مربوط به دوره حضور کمونیسم و تفوق جریان‌های الحادی است و امروز آن دسته از کسانی که با دین اجتماعی مخالفند، بیشتر به دنبال جایگزینی نوعی معنویت به جای شریعت‌اند. ولی بن مایه این دو جریان در اینکه هر دو مدعی «تمام شدن عصر شریعت‌مداری»‌اند، یکی است. و نکته آخر آن که امام از طرفی می‌فرمایند اسلام توان هماهنگی با تمدن‌ها را دارد و از طرفی می‌فرمایند این دین می‌تواند عیوب تمدن‌ها را بزدايد. این جمله‌ها لوازمی دارد که بی‌مناسبت نیست به آنها اشاره کنیم:

از لوازم جمله اول آن است که کثیری از احکامی که ما آنها را لایتنیر می‌پنداریم و جزء ثابتات دین فرض می‌کنیم، در حالی که ظاهر آنها با تمدن‌های امروزی مغایرند - از اصول اصلی و لایتنیر اسلام نیستند و از لوازم جمله دوم آن است که وظیفه ی دین زدودن اشتباهات از تمدن‌ها هست.

خلاصه سخن آنکه پیروان «خمینی» در میانه افراط «تحجر» و تفریط «بی‌دینی»، قرار دارند؛ دو جریانی که همانند دو لبه یک قیچی، دانسته و ندانسته، دینداری را در عصر جدید به مسلخ می‌برند. یادمان باشد که مبارزه با «ظاهرالصلاح‌ها» در این میان، سخت‌تر است؛ و به همین جهت امام فرمودند که خون دلی که از این گروه خورده‌اند با سختی‌های دیگر قابل مقایسه نیست. (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۸۴ تا ۲۹۳)

## درس‌هایی از مکتب امام

سیدحمیدطالبایی



با هم مرور کنیم. به خصوص آن سخنان که کمتر بازگفته شده است و به وظیفه خویش در مواجهه با آن توجه کنیم.

### نمایند کردن مردم توطئه است

حضرت امام در وصیت‌نامه خویش با ریزی دقیق به خطری که امروزه همه ما با آن مواجهیم اشاره می‌کنند و می‌نویسند: (۱) از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است.

(۲) گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و درعصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه.

(۳) و گاهی موزیانه و شیطننت‌آمیز به گونه طرفداری از قداسات اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است!

(۴) مع‌الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بیخبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود. (صحیفه امام - جلد ۲۱ - صفحه ۴۰۳ - ۴۰۴)

در این فرمایش چنان که اشاره کردیم چهار نکته مورد اشاره قرار گرفته است.

نخست: اشاره به تبلیغات در جهت ناکارآمد نشان دادن دین در عرصه اجتماع است. البته روشن است که ناکارآمدی دین به معنای ناکارآمدی دین داران است چراکه دین هویتی در خارج جز در قالب دینداران نمی‌یابد.

در راستای این سخن حکیمانه، باید بپذیریم که دشمنان حکومت دینی که گاه مخالفین دین هستند و گاه - چنانکه در بند چهارم مورد اشاره قرار گرفته است - موافقین ظاهری دین، برای اثبات ادعای خویش بیش از هر چیز به عملکرد حاکمان دینی استناد می‌کنند. طبیعی است که اگر ما به عنوان عاشقان

ناکارآمد نشان دادن حکومت دینی است، امروزه تنها دشمنان انقلاب دخالت ندارند بلکه این دوستان انقلاب هستند که برای ملوک کردن جناح دیگر به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که نتیجه‌اش، القای ناکارآمدی نظام اسلامی است.

اگر همه تربیون‌های رسمی هم صدا با دشمنان حکومت دینی که گاه در لباس مقدسین جلوه می‌کنند، به یک دولت بتازند و نتیجه آن را گاه تا حد خیانت بالا ببرند، آیا مردم نمی‌پرسند این چه سیستمی است که نمی‌تواند از خیانت، در حد ترکمانچای، ممانعت نماید؟

از این دست مثال‌ها در ذاکره همه شما وجود دارد، به راحتی آن را بیابید و اذعان کنید که عمل به وصیت امام در نخستین بندی که امروز مورد اشاره قرار دادم، آیا جز از راه امید بخشی میسر است؟

نکته دیگر آنکه: شاید بتوان گفت آنچه دین را ناکارآمد و حتی زشت جلوه می‌دهد ورود دین در سیاست نیست، بلکه ورود سیاست‌زدگی در دین است. سیاست ممکن است که با اخلاق که جوهره دین است ناسازگار نباشد، ولی سیاست زدگی پایبند اخلاق نیست و همین بی‌اخلاقی چهره دین و ذات آن را کریه و نادرست نشان می‌دهد. پس مدافعین حکومت دینی باید از سیاست بازی در عرصه حکومت جدا دوری کنند.

### «تحجر» و «بی‌دینی» دو لبه یک قیچی

بخش دوم وصیت را با هم مرور می‌کنیم: «[از توطئه‌های مهم آن است که] گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است [نتیجه می‌گیرند که پس اسلام] نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها، از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه» (صحیفه امام - جلد ۲۱ - صفحه ۴۰۳)

این فراز از فرمایش امام متضمن دو نکته کلیدی است که امام به مخالفین آنها اشاره می‌کنند.

نخست آنکه: اسلام مربوط به همه اعصار است و محدود به روزگار پیامبر و یا دوره‌های قبل از مدرنیسم نیست؛ دوم اینکه اسلام توان هماهنگی با تمدن جدید را دارد. (یا به عبارت بهتر: تمدن جدید در حد ذات خود، مغایرتی با اسلام ندارد).

به نظر می‌رسد فراز دوم به عنوان دلیل برای فراز اول به کار رفته است؛ به این معنی که مخالفین حضور دین در عرصه اجتماع و سیاست، چون مدعی شده‌اند که دین توان هماهنگی با مظاهر دنیای معاصر را ندارد، چنین نتیجه گرفته‌اند که اسلام



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۵۷  
(برابر با ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۹۸، ۳ ژوئن ۱۹۷۸) نقل شده است

## خوابگاه دانشجویان دانشگاه تعطیل شد

خوابگاههای دانشجویان دانشگاه تهران در  
امیرآباد بدنبال اغتشاشات سه‌شنبه شب و پنجشنبه  
صبح تعطیل شد و امروز از ورود دانشجویان به  
خوابگاه‌ها جلوگیری عمل آمد.

در پی اغتشاشات اخیر و خرابیهایی که در خوابگاههای دانشجویان دانشگاه تهران بوجود آمد پنجشنبه مجدداً عده‌ای از دانشجویان دست به تظاهرات زدند و بداخل خوابگاه‌های ۱۶- و ۱۷- پسران ریختند و مامورین گارد دانشگاه وارد عمل شدند، دانشجویان برای مقابله با مامورین از آجر، آهن‌بار، استفاده کردند.

شایعه تظاهرات این هفته نباید موجب نگرانی شود

آقای جمشید آموزگار نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز در پایان جلسه با قائم مقام‌ها و معاونان در جمع خبرنگاران حاضر، بافت.

آقای آموزگار در مورد تظاهراتی که شایع است در آینده صورت گیرد گفت باین شایعات اصلاً نباید توجهی بشود قاطبه مردم، اکثریت نزدیک بافاقم مردم میل دارند که دنبال کار و کار و پیشه خودشان باشند به یک پیشه‌وری که مغازه او را بزور تهدید و ارباب میبندند ظلم میشود چون او راضی نیست برای اینکه روزی که مغازه او بسته میشود ۵۰۰ تا ۲۰۰ تومان از کسب خود عقب میماند این شخص باید درآمد داشته باشد تا بتواند زندگی خود را اداره کند.

## سؤال از دولت

در باره قطع حقوق استادان دانشگاه آرمهر

نماینده «فسا» در جلسه ۵شنبه مجلس شورای  
ملی، سئوالم باب شرح تقدیم کرد:

چون در جراند صبح و عصر دوشنبه ۸ خردادماه جاری پایتخت خبری انتشار یافته که حقوق استادان دانشگاه آریامهر قطع گردیده و این امر موجب نازاحتی و عدم رضایت اساتید دانشگاه مذکور که از تحصیلکردگان ممتاز و برجسته کشورند فراهم ساخته و اساساً با تهدید و فشار نمی توان محیط مساعد و اطمینان بخشی را در دانشگاهها بوجود آورد و هدف دولت باید در اینمورد معطوف با التیام بخشیدن وضع نازارام فعلی و توجه بخواسته‌ها و درددل‌های مضطرب و اصولی استاد و دانشجو باشد نه تشدید آن و ...

میلیون‌ها، نالرویی تیم این شرکت‌بندی شد

آغاز مسابقات فوتبال جام جهانی آرژانتین، در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان بازتاب فوق العاده‌ای داشت.

در تهران همه -اگر چه با تردید- تیم ملی ایران را در برابر هلند پیروز میدانند، از یکصد تلفنی که تا ظهر امروز به افراد مختلف زده‌ایم و نظرشان را جویا شده‌ایم، هشتاد پاسخ به سود ایران و بقیه مساوی و باخت ایران بوده‌است، اما صاحب‌نظران، پیش‌بینی‌های متفاوتی دارند، بازار شرط‌بندی امروز به اوج رسید، آنها که روی تیم ایران تعصب دارند، روی برد ایران شرط‌بندی کرده‌اند، ولی شرط‌بندی‌های حرفه‌ای، فقط مخالف نظر یکدیگر شرط می‌بندند. میلیون‌ها تومان در سراسر کشور روی نتیجه مسابقه ایران و هلند شرط‌بندی شده‌است.

توجهی‌های این هم‌قسم شدند

ارنست هاپل، مربی تیم ملی هلند، اظهار عقیده کرد که توپچی‌های او، دروازه ایران را به توپ خواهند بست، تا معدل گل بهتری را از حالا بدست آورند.

اغلب بچه‌ها، می‌گویند، ما آبروی تیم ملی را حفظ خواهیم کرد و اگر هم بازی را ببازیم، سب‌اف‌ازانه‌ها باز نم...

توجهی‌های ایران برای تحقق چنین مقصودی، هم‌قسم شده‌اند. علی پروین کاپیتان و حسن روشن مهاجم ایران، در گفتگویی که با یکی از روزنامه‌های آرژانتینی داشتند، پی‌آنکه از پیروزی یا شکست ایران، چیزی بصراحت بگویند، گفتند: «تیم ایران، فقط برای کسب تجربه آمده است و بس.»

## قاب امروز



تهران - میدان امام حسین - شب های ماه مبارک رمضان / عکس از: علی کریمی

## سرایه

یا رب در خلق تکیه گاهم نکنی  
محتاج گدا و پادشاهم نکنی  
موی سیهم سفید کردی به کرم  
با موی سفید رو سیاهم نکنی

ابو سعید ابو الخیر

ببند بزرگان

«اگر می خواهی خوشبخت باشی  
برای خوشبختی دیگران بکوش؛ زیرا آن  
شادی که ما به دیگران می دهیم به خود ما  
بر می گردد.»

بِتْهَوْنِ

سودو کو

						9	2	8
	2	8		6				
		1	9			5		
	5		1		4			
3	4						8	6
			6		3		5	
		5			6	8		
				7		2	1	
8	1	3						

۲	۹	۶	۷	۴	۳	۸	۱	۵
۸	۱	۵	۲	۹	۶	۷	۴	۳
۷	۴	۳	۸	۱	۵	۲	۹	۶
۶	۲	۹	۳	۵	۷	۴	۸	۱
۴	۷	۸	۶	۲	۱	۳	۵	۹
۳	۵	۱	۹	۸	۴	۶	۲	۷
۱	۶	۲	۴	۳	۹	۵	۷	۸
۹	۸	۷	۵	۶	۲	۱	۳	۴
۵	۳	۴	۱	۷	۸	۹	۶	۲

حل ۲۲۰۱

۴۷۱۵ جدول شرح در متن

سرخ کباب	شیر درون لوله تفنگ	↓	↓	رایحه	توضیح	↓	کشور نلسون ماندلا	سربانی از سیروس مقدم
↓	علامت جذر	↓	↓	سختن پیبوده	محصول آتش	↓	↓	چ
			کشتی جنگی					معنی سخن
			اینبار غله					
		راندن مزاحم	↓			گردش		
		همیشه	↓			کلام آرزو		
صدای بلند و واضح		↓			هدایت کننده	↓		لیبریز
					تفرین			پیشرو اعداد
↓				سپاسگذار	↓			
				هم‌شاگردی				گفتار
			گل‌نومیدی					جمع شعاع
			درس خوانده			اثر رطوبت		
						تراوش کننده		
عدد هندسی	خداایا، پروردگارا	ی				↓		فشقه
						↓		ژ
افسر ارشد فرنگی								
قلازم و ضروری								
بازار سهام								
آراء دادگاه								